

اصفهان بدون زاینده رود بدون زندگی

موافقت و مخالفت کارشناسان علوم انسانی در مورد ایجاد بازار آب

مدیریت آب ایران ابزار ندارد

«آلاینده‌های دائمی» حتی در مناطق بکر جهان یافت شده‌اند

«PFAS»؛ در خون انسان، شیرمادر و آب آشامیدنی

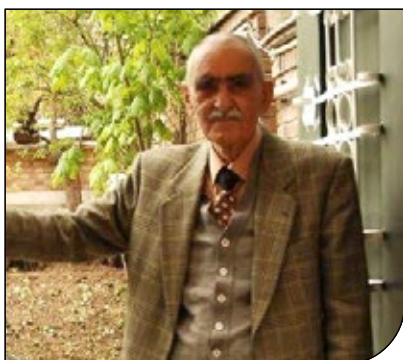
یادداشت

قانونی که راه تخریب کوه‌ها و مراتع را هموار می‌کند

محمد داس‌مه | مشاور حقوقی سازمان منابع طبیعی

معشوق جاودان افشار

در صدسالگی پدر کتاب‌شناسی کشور مطرح شد: «ایران را چرا باید دوست داشت؟»



از ابتدای سال تا یازدهم مهرماه، در سواحل دریای خزر لاشه ۸۲ فوک خزری پیدا شده است

جان دادن در آب، جنازه در خشکی



دبیرکل خانه پرستار در گفت‌وگو با «پیام ما» هشدار داد:

تبعیض پرستاران را فرسوده و بی‌انگیزه کرده است

۲

یادداشت

فرصت از دست‌رفته ایران در کنگره جهانی حفاظت ۲۰۲۵

چرا ایران حضور نداشت؟

در فهرست رسمی شرکت‌کنندگان کنگره ۲۰۲۵، نام ایران دیده نمی‌شد. درحالی‌که کشورهای منطقه مانند امارات، قطر، عربستان، ترکیه و حتی افغانستان هیئت‌های فعالی داشتند و پروژه‌های خود را معرفی کردند، ایران از این فرصت بی‌نظیر جا ماند.

دلایل این غیبت را می‌توان در چند عامل جست‌وجو کرد: - کاهش ارتباطات بین‌المللی سازمان حفاظت محیط‌زیست و

تمدید نشدن عضویت‌های رسمی در نهادهای جهانی؛ - مشکلات مالی و اداری که مانع از اعزام کارشناسان و تشکیل هیئت‌های رسمی شده؛

- و شاید از همه مهم‌تر، نبود نگاه راهبردی به دیپلماسی محیط‌زیست در سطح ملی. درحالی‌که کشورهای همسایه با برنامه‌ریزی دقیق حضور پیدا کردند و پروژه‌های مشترک منطقه‌ای پیشنهاد دادند، ایران از صحنه گفت‌وگوهای جهانی کنار مانده بود.

در شرایطی که دیپلماسی محیط‌زیست به یکی از ابزارهای نرم قدرت در جهان تبدیل شده است، نبود ایران در چنین جامعی به‌معنی از دست‌دادن جایگاهی است که می‌توانست برای کشور اعتبار و نفوذ ایجاد کند.

چه فرصت‌هایی از دست رفت؟

غیبت ایران در این کنگره فقط یک غیبت تشریفاتی نبود؛ پیامدهای واقعی داشت.

نخست اینکه در تدوین قطعنامه‌های منطقه‌ای درباره بیابان‌زدایی، تغییر اقلیم و حفاظت از گونه‌های آسیایی، نام ایران در میان امضاکنندگان نبود و ایران از فرایند تصمیم‌سازی جهانی درباره منطقه خود کنار ماند.

دوم، فرصت جذب منابع مالی بین‌المللی از صندوق‌هایی مانند GEF و Green Climate Fund از بین رفت. پروژه‌های منطقه‌ای بدون حضور ایران تعریف شدند. پروژه‌هایی که می‌توانست شامل تالاب‌های هامون، دریاچه ارومیه یا زیستگاه‌های زاگرس باشد.

سوم، صدای کارشناسان و پژوهشگران ایرانی که می‌توانستند تجربه‌های ارزشمند خود را مطرح کنند، شنیده نشد. فرصت معرفی چهره‌ای مثبت از ایران در جهان از بین رفت و در شرایطی که بسیاری از کشورها از «دیپلماسی محیط‌زیست» برای بهبود تصویر جهانی خود بهره می‌گیرند، ایران در سکوت خبری از کنار این فرصت گذشت.

اینجا همان فرصت‌هایی هستند که کشورهای دیگر به‌خوبی از آن استفاده کردند و در پروژه‌های جهانی جایگاه خود را تثبیت کردند.

رسانه‌ها و سکوتی که معنا دارد

شاید عجیب‌تر از غیبت ایران، سکوت رسانه‌های داخلی بود. درحالی‌که رسانه‌های منطقه‌ای به‌صورت گسترده این کنگره را پوشش دادند و از حضور هیئت‌هایشان گزارش تهیه کردند، در ایران تقریباً هیچ اشاراری به این رویداد نشد.



اشکان اشعریون |

عضو گروه متخصصان خرس در IUCN |

کنگره جهانی حفاظت اتحادیه بین‌المللی حفاظت از طبیعت (IUCN) یکی از بزرگ‌ترین و مهم‌ترین رویدادهای زیست‌محیطی دنیاست که هر چهار سال، دانشمندان، سیاستگذاران و فعالان محیط‌زیست از سراسر جهان گرد هم می‌آورد تا درباره آینده طبیعت تصمیم بگیرند.

کنگره ۲۰۲۵ در اوتیوبی برگزار شد؛ شهری که برای چند روز به مرکز گفت‌وگو درباره تنوع‌زیستی و آینده زمین تبدیل شد. بیش از ۹ هزار نفر از ۱۶۰ کشور حضور داشتند، اما در میان همه پرچم‌ها و نام‌ها، ایران غایب بود. نه نماینده‌ای رسمی از دولت، نه حضور فعالی از سازمان حفاظت محیط‌زیست. همین غیبت، خود پیامی تلخ بود: ما در گفت‌وگوی جهانی درباره آینده طبیعت کشورمان، جایی نداشتیم. غیبتی که تنها یک اتفاق اجرایی نیست، بلکه نشانه‌ای از ضعف در دیپلماسی محیط‌زیست و از دست‌رفتن فرصتی ارزشمند برای اثرگذاری در عرصه بین‌المللی است.

چرا این کنگره مهم است؟

کنگره جهانی حفاظت اتحادیه بین‌المللی حفاظت از طبیعت (IUCN) فقط یک نشست علمی نیست. این کنگره جایی است که سیاست‌های جهانی درباره حفاظت از طبیعت شکل می‌گیرد. هر کشور در آن می‌تواند پیشنهاد بدهد، تصمیم‌سازی کند و در مسیر اجرای پروژه‌های بین‌المللی نقش داشته باشد و برای کشوری مانند ایران، که از نظر تنوع‌زیستی در خاورمیانه جایگاهی ویژه دارد و در عرصه‌حال با بحران‌هایی چون کم‌آبی، تخریب زیستگاه‌ها و کاهش جمعیت گونه‌های شاخص روبه‌روست، حضور در چنین رویدادی یک ضرورت است نه یک انتخاب. درواقع، هر حضور بین‌المللی از این‌دست می‌تواند درهای تازه‌ای برای همکاری‌های علمی، جذب بودجه‌های حفاظتی و حتی افزایش اعتبار کشور در حوزه محیط‌زیست باز کند.

برای ایران، حضور در IUCN اهمیت چندگانه دارد: علمی و پژوهشی؛ ارتباط مستقیم با مراکز علمی، کمیسیون‌های تخصصی و فرصت همکاری بین‌المللی. اقتصادی؛ جذب منابع مالی برای پروژه‌های ملی از صندوق‌های جهانی مانند GEF و Green Climate Fund. سیاسی و دیپلماتیک؛ حضور در صحنه گفت‌وگوی جهانی، جایی که اعتبار، نفوذ و تصویر بین‌المللی کشور ساخته می‌شود. درواقع، IUCN عرصه‌ای است که در آن علم و سیاست به‌هم گره می‌خورند و کشورها می‌توانند از مسیر حفاظت از طبیعت، چهره‌ای مسئول، صلح‌طلب و پیشرو از خود نشان دهند.

قانونی که راه تخریب کوه‌ها و مراتع را هموار می‌کند



محمد داس‌مه |

مشاور حقوقی سازمان منابع طبیعی |

یکی از مشکلات و تهدیدات جدی برای منابع طبیعی کشور، که آسیب‌های فراوانی به کوه‌ها، بیشه‌ها و مراتع وارد کرده، ماده ۲۴ مکرر اصلاح قانون معادن است.

در سال ۱۳۷۷ قانونگذار در ماده ۲۴ مقرر کرده بود دستگاه‌هایی مانند سازمان منابع طبیعی و آبخیزداری کشور و سازمان حفاظت محیط‌زیست، ظرف چهار ماه به استعلام وزارت صمت پاسخ دهند. اما در سال ۱۳۹۰، این مهلت به دو ماه کاهش یافت و در پیش‌نویس طرح جدیدی که هم‌اکنون در اختیار نمایندگان محترم مجلس شورای اسلامی در کمیسیون صنایع و معادن قرار دارد، این مدت به یک ماه تقلیل یافته است.

این درحالی‌است که استاندارد پاسخگویی به یک استعلام عادی برای یک قطعه زمین، حدود ۴۵ روز است. فرایندهایی مانند بازدید میدانی، نقشه‌برداری، بررسی سوابق اجرای مقررات ملی‌شدن اراضی و سایر اقدامات کارشناسی، مستلزم زمان بیشتری است. افزون‌بر آن، در طرح پیشنهادی قید شده است که در صورت عدم پاسخگویی در مهلت مقرر، عدم پاسخ به‌منزله موافقت تلقی می‌شود؛ که این امر می‌تواند پیامدهای سنگینی برای اراضی طبیعی کشور در پی داشته باشد.

شاید بتوان گفت وزارت صمت به اصلاح قانون معادن در سال ۱۳۹۰ اکتفا نکرد و در سال ۱۳۹۲ نیز اصلاحیه‌ای تحت عنوان ماده ۲۴ مکرر به قانون افزود. در این اصلاحیه آمده است: چنانچه سازمان منابع طبیعی و آبخیزداری کشور یا سایر دستگاه‌های ذی‌ربط تشخیص دهند عرصه مورد نظر قابل‌واگذاری نیست و پاسخ منفی ارائه کنند، وزارت صمت می‌تواند صرفاً با طرح یک اعتراض، موضوع را به هیئت حل اختلاف ارجاع دهد.

ترکیب این هیئت به‌گونه‌ای است که عملاً جایگاه سازمان منابع طبیعی در جلوگیری از اجرای طرح‌های معدنی در اراضی جنگلی و مرتعی بسیار تضعیف شده است. اعضای هیئت شامل استاندار یا معاون ذی‌ربط به‌عنوان رئیس هیئت، رئیس سازمان صمت استان به‌عنوان دبیر، رئیس سازمان جهادکشاورزی استان، کارشناس خبره معدن، مدیرکل منابع طبیعی و آبخیزداری استان، یک نفر از بهره‌برداران و یک حقوقدان آشنا با مسائل معدن هستند. در این ترکیب، اداره‌کل منابع طبیعی تنها یک رأی دارد و به همین دلیل، تأثیر آن در تصمیم‌گیری نهایی بسیار اندک است.

از دیگر ایرادات حقوقی ماده ۲۴ مکرر آن است که هیئت حل اختلاف می‌تواند برخی از ممنوعیت‌های قانونی واگذاری اراضی، مانند ممنوعیت‌های مندرج در بند ۴ ماده ۳۱ و تبصره ۵ اصلاحی ماده ۳۳ قانون حفاظت و بهره‌برداری از جنگل‌ها و مراتع، را عملاً دور بزند. در نتیجه، احکام آمره این قوانین که

نه به‌صورت صریح و نه ضمنی نسخ نشده‌اند، بی‌اثر می‌شوند. نگرانی دیگر مربوط به پیش‌نویس طرحی است که هم‌اکنون در کمیسیون صنایع مجلس در حال بررسی است. در بند «ق» ماده یک قانون معادن، ذیل فصل اول (تعاریف و کلیات)، تعریف اجازه برداشت به‌گونه‌ای آمده که صدور این مجوز را بدون استعلام از دستگاه‌هایی مانند سازمان منابع طبیعی و آبخیزداری کشور مجاز می‌داند. استدلال موافقان این بند آن است که این برداشت‌ها «محدود» و «جزئی» است، درحالی‌که در بخش اول همین بند آمده است: «برای تأمین مصالح ساختمانی مورد نیاز طرح‌های عمرانی...»

اگر طرح عمرانی را، برای نمونه، یک پروژه راهسازی در نظر بگیریم، برداشت از یک کوه کامل نیز ممکن است برای تکمیل آن کافی نباشد؛ بنابراین، عبارت «برای تأمین مصالح ساختمانی مورد نیاز طرح‌های عمرانی» باید از متن پیش‌نویس حذف شود. درباره برآورد خسارت‌ها نیز باید گفت قانون معادن در سال ۱۳۹۰ با اصلاحاتی مواجه شد. براساس تبصره ۳ ماده ۶ قانون معادن (اصلاحی سال ۱۳۹۰)، دولت از محل صدور پروانه اکتشاف و به استناد ماده ۱۴ همان قانون، از محل بهره‌برداری نیز درآمدی دارد. منطقی است بخشی از این درآمد به منابع طبیعی کشور اختصاص یابد. هرچند در قانون به‌صراحت از «سازمان منابع طبیعی و آبخیزداری کشور» نامی برده نشده و تنها به «وزارت جهادکشاورزی» اشاره شده است، اما اگر فرض کنیم سهم مزبور مستقیماً به منابع طبیعی اختصاص یابد و صد درصد آن صرف حفاظت و احیا شود، سهم مذکور باید معادل ۱۵ درصد از درآمد حاصل از تبصره ۳ ماده ۶ و ۱۲ درصد از درآمد ناشی از ماده ۱۴ شود. درواقع، مطابق ماده ۲۵ قانون معادن اصلاحی مصوب ۱۳۹۰/۸/۲۲ (که در حکم ماده ۱۷ الحاقی است)، جمعاً ۲۷ درصد از سهم دولت باید به احیا و بازسازی مناطق معدنی اختصاص یابد. درحالی‌که قانون به‌صراحت مقرر داشته است «این خسارت پس از برآورد، صددرد باید صرف اجرای طرح‌های حفاظت و احیا در محل عملیات معدنی شود»، در عمل این هدف به‌درستی محقق نشده و منابع طبیعی کشور از منافع ناشی از بهره‌برداری معدنی بی‌بهره مانده است.

توسعه معدن اگر برپایه شناخت اکولوژیکی و ملاحظات زیست‌محیطی استوار نباشد، به‌جای فرصت، تهدیدی برای سرزمین خواهد بود. منابع طبیعی، سرمایه خاموش کشور هستند و هرگونه بهره‌برداری از بستر آنها باید با احترام به ظرفیت‌های محیطی، احیای مناطق تخریب‌شده و جبران خسارت‌های زیست‌محیطی همراه باشد. آنچه امروز ضرورت دارد، تعادل میان منافع اقتصادی و پایداری سرزمین است؛ تعالی که با تعامل سازنده میان بخش معدن، منابع طبیعی و نهادهای نظارتی می‌تواند برقرار شود. هدف نباید «توقف توسعه» یا «توسعه بی‌مهار» باشد، بلکه دستیابی به الگویی از توسعه هوشمند، مسئولانه و پایدار است که هم معیشت مردم را تقویت کند و هم طبیعت ایران را برای نسل‌های آینده حفظ کند.

«اعلام رسمی» بود، نه در واقعیت؛ زیرا تعرفه‌ها به‌شکلی تعیین شد که عملاً تأثیر قابل‌توجهی در معیشت پرستاران نداشت. برای مثال، در آیین‌نامه‌ای که تدوین شد، سهم خدمات پرستاری در ۲۴ ساعت بستری یک بیمار حدود ۳۵۰ هزار تومان تعیین شد؛ یعنی معادل مبلغی که برای یک ویزیت پزشک متخصص پرداخت می‌شود، آن‌هم در شرایطی که پزشک شاید حتی بیمار را از نزدیک نبیند و فقط دستور درمان بدهد. این رقم در مقایسه با حجم مسئولیت و فشار کاری پرستار، توهین‌آمیز است. درحالی‌که پرستار مسئول پایش علائم حیاتی، مراقبت از زخم‌ها، تزریق دارو، پیشگیری از عفونت، آموزش بیمار و ده‌ها کار حیاتی دیگر است. همه این خدمات باید به‌صورت تعرفه‌مند ارزش‌گذاری شود، نه اینکه به‌عنوان «وظیفه» و بدون پرداخت عادلانه تلقی شود.

یکی از اشکالات اساسی در اجرای این قانون، بی‌توجهی به نقش بیمه‌ها بود. طبق قانون، باید منابع مالی اجرای تعرفه‌ها از محل بیمه‌ها تأمین می‌شد، اما وزارت بهداشت عملاً این بخش را حذف کرد. در نتیجه بیمارستان‌ها مجبور شدند از بودجه جاری خود پرداخت کنند، که در عمل ممکن نبود. به بیان دیگر، تعرفه‌ها فقط روی کاغذ و بدون پشتوانه مالی تعیین شد. این باعث شد در بسیاری از مراکز، پرداختی به پرستاران تحت عنوان تعرفه اصلاً انجام نشود یا با ماه‌ها تأخیر و مبالغ ناچیز صورت گیرد. درحالی‌که اگر مانند تعرفه پزشکی، بیمه‌ها متعهد به پرداخت بودند، این قانون می‌توانست به عدالت نزدیک شود. دلیل اصلی این ناکامی، ساختار تصمیم‌گیری در نظام سلامت است. شوراها و کمیته‌هایی که تعرفه‌ها را تعیین می‌کنند، عمدتاً از پزشکان تشکیل شده‌اند و حضور پرستاران در آنها یا بسیار محدود است یا اصلاً وجود ندارد. طبیعی

است که در چنین ساختاری، منافع صنفی پزشکان غالب می‌شود و خدمات پرستاری در حاشیه قرار می‌گیرد. همین مسئله باعث شد اجرای قانون به‌گونه‌ای صورت گیرد که نه‌تنها عدالت برقرار نشود، بلکه احساس تبعیض عمیق‌تر شود. بسیاری از پرستاران معتقدند وزارت بهداشت عمداً قانون را به‌صورت ناقص اجرا کرده تا در ظاهر پاسخگو باشد، اما درواقع تغییری ایجاد نشود. امروز، در اغلب بیمارستان‌های کشور، قانون تعرفه‌گذاری فقط به‌نام اجرا شده است. پرستاران هنوز هم حقوق خود را به‌صورت ثابت و ناچیز دریافت می‌کنند، بدون آنکه ارزش واقعی خدماتشان محاسبه شود. این وضعیت باعث شده پرستاران احساس کنند نظام سلامت، کار و تخصص آنها را بی‌ارزش می‌داند. درحالی‌که اگر این قانون به‌درستی اجرا شود، هم انگیزه شغلی افزایش می‌یابد، هم کیفیت خدمات به بیماران ارتقا پیدا می‌کند. ما معتقدیم اجرای واقعی تعرفه‌گذاری، کلید بازگشت عدالت به نظام سلامت است. این تنها مطالبه صنفی نیست، بلکه مطالبه‌ای ملی است؛ چون جامعه‌ای که پرستار بی‌انگیزه و خسته دارد، سلامت پایدار نخواهد داشت.

❏ در ماه‌های اخیر اخباری از احضار یا برخورد با فعالان صنفی پرستاری منتشر شد. ماجرا چیست؟
اول از همه باید نگاه به پرستاری تغییر کند. رئیس نظام پرستاری مشهد و یکی از اعضای هیئت‌مدیره‌اش فقط به‌دلیل بیان نظر درباره تبعیض در پرداخت‌ها با شکایت دانشگاه علوم‌پزشکی مشهد احضار شدند. حتی موردی در گیلان داشتیم که یکی از همکاران صرفاً پرسید چرا بودجه رفاهی کارکنان، تنها به بخش ستادی اختصاص یافته نه به نیروهای خط مقدم؛ همین سؤال برایش حکم سه ماه انفصال از خدمت به‌دنبال داشت. وقتی پرستار نتواند حتی درباره حق خود حرف بزند، چه انتظاری داریم که انگیزه داشته باشد؟ این برخورد‌ها فقط باعث خاموش شدن صداهای کارشناسی و تداوم اشتباهات مدیریتی می‌شود.

❏ به‌عنوان سخن پایانی، چه راه‌حلی برای خروج از این وضعیت پیشنهاد می‌کنید؟

اول از همه باید نگاه به پرستاری تغییر کند. پرستار نیروی مصرفی نیست؛ ستون نظام سلامت است. بدون پرستار، بیمارستان معنا ندارد. باید قانون تعرفه‌گذاری به‌طور واقعی و کامل اجرا شود تا عدالت برقرار شود. مجوز استخدام‌ها باید افزایش یابد و حقوق‌ها متناسب با سختی کار تنظیم شود. نظام ارزیابی عملکرد باید برپایه کیفیت مراقبت باشد، نه صرفاً درآمدزایی بیمارستان. همچنین، لازم است امنیت شغلی پرستاران تأمین شود. نیروهای شرکتی باید تعیین‌تکلیف شوند، چون با قراردادهای موقت نمی‌توان انتظار وفاداری و انگیزه داشت. در کنار آن، باید به سلامت روان پرستاران توجه شود. در کشورهایی مانند سوئد و آلمان، خدمات روانشناسی شغلی بخش جدایی‌ناپذیر نظام سلامت است، اما در ایران پرستار حتی فرصت استراحت ندارد. اگر عدالت برقرار شود و شأن حرفه‌ای پرستاران حفظ شود، مطمئن باشید نه مهاجرتی رخ می‌دهد و نه کمبود نیرویی باقی می‌ماند. پرستاران ایران عاشق مردم خود هستند، فقط کافی است حسن کنند دیده می‌شوند و ارزش کارشان درک می‌شود.



آمار آنها، صدور گواهی صلاحیت حرفه‌ای (گود استندینگ) از سازمان نظام‌پرستاری است؛ درحالی‌که بسیاری از کشورها مثل آلمان، کانادا یا کشورهای حاشیه خلیج‌فارس برای جذب پرستار ایرانی چنین گواهی‌ای نمی‌خواهند. بنابراین، بخش بزرگی از مهاجرت‌ها در این آمارها دیده نمی‌شود.

«فرار از حرفه» از مهاجرت جدی‌تر است، یعنی پرستار قصد ندارد در ایران در هر دو بخش خصوصی و دولتی کار کند، بسیاری از آنها ترجیح می‌دهند شغل غیرمرتبطی داشته باشند یا اینکه در خانه بمانند تا اینکه در این شرایط طاقت‌فرسا در بیمارستان‌ها کار کنند. این پدیده بسیار خطرناک است؛ چون نشان می‌دهد نظام سلامت در حال ازست‌دادن نیروهای وفادار و باتجربه خود است. دلیل این‌همه فرار از خدمت برخورد‌های دوگانه تبعیض‌های مختلف و بی‌حدومرز و میزان دریافتی آنان است.

❏ رفع تبعیض در پرداخت‌ها همیشه از مطالبات اصلی پرستاران بوده. این شکاف دقیقاً چقدر است؟

در هیچ کجای دنیا اختلاف پرداخت بین گروه‌های درمانی بیش از سه تا چهار برابر نیست. در عربستان حدود ۱.۲ برابر است، در انگلیس حداکثر دو برابر؛ اما در ایران، گاهی تا صد برابر اختلاف داریم! اجازه بدهید مثالی بزنم، در اتاق عمل، شش نفر فعالیت می‌کنند پرستار اسکراب، کارشناس بیهوشی، سرپرستار، جراح، متخصص بیهوشی و سایر اعضا. ولی جراح در بعضی مواقع نیست و رزیدنت کار او را انجام می‌دهد، اما همین جراح به‌دلیل شهر خود چند صد میلیون تومان دریافتی دارد، درحالی‌که پرستار همان اتاق چند میلیون می‌گیرد. این نه‌تنها بی‌عدالتی است، بلکه توهین به شأن حرفه‌ای پرستار است.

❏ این شکاف از چه زمانی شکل گرفت؟

ریشه این مشکل به سال ۱۳۷۷ برمی‌گردد؛ زمانی که طرح «خودگردانی بیمارستان‌ها» اجرا شد. تا قبل از آن، بیمارستان‌ها دولتی بودند و همه پرسنل حقوق ثابت می‌گرفتند، اما بعد از اجرای طرح، بیمارستان‌ها به واحدهای درآمدزا تبدیل شدند. اولویت از درمان بیماران به‌سمت کسب درآمد حاصل از خدمات تغییر پیدا کرد و براساس درآمد درصدی سود، میان کارکنان تقسیم می‌شد. ۷۰ درصد این درآمد به پزشکان رسید و فقط ۲۰ درصد میان سایر کارکنان پخش شد. از آن زمان به‌بعد، شکاف عمیقی در پرداخت‌ها شکل گرفت. قدرت تصمیم‌گیری هم به‌تدریج به دست گروهی خاص از پزشکان افتاد و سایر گروه‌ها، از جمله پرستاران، به حاشیه رفتند. این روند تا امروز ادامه دارد و حتی قانونگذاری‌ها هم نتوانسته آن را اصلاح کند.

❏ چرا با وجود تصویب قانون تعرفه خدمات پرستاری و اجرای آن، پرستاران همچنان نسبت به آن انتقاد دارند؟
قانون تعرفه خدمات پرستاری در سال ۱۳۸۶ تصویب شد تا عدالت میان گروه‌های مختلف درمانی برقرار شود، اما ۱۴ سال تمام اجرا نشد. درنهایت در سال ۱۴۰۰ به‌صورت ناقص و غیرکارشناسی اجرای آن آغاز شد. این قانون یکی از مهم‌ترین قوانین حوزه سلامت است. هدف از این قانون بسیار روشن بود، برقراری عدالت در نظام پرداخت‌ها بین گروه‌های مختلف ارائه‌دهنده خدمت در حوزه سلامت، یعنی پرستاران، پیراپزشکان، کارشناسان اتاق عمل، هوشبری و سایر اعضای تیم درمان. پیش‌از‌آن، نظام پرداخت در بیمارستان‌ها کاملاً پزشک‌محور بود. یعنی تقریباً همه درآمد بیمارستان‌ها براساس تعرفه‌های پزشکی محاسبه و بین پزشکان توزیع می‌شد. اما پرستاران که بیشترین تماس مستقیم با بیمار را دارند، سهم بسیار ناچیزی دریافت می‌کردند. این نرابرابی نه‌تنها از نظر اقتصادی ناعادلانه بود، بلکه از نظر انگیزشی هم ضربه سنگینی به پرستاری وارد کرد. قانون تعرفه‌گذاری پرستاری قرار بود این شکاف را پر کند؛ درواقع، می‌خواست خدمات پرستاری هم مانند خدمات پزشکی، تعرفه مشخص و قابل پرداخت از بیمه‌ها داشته باشد تا حق‌الزحمه پرستار براساس نوع و میزان خدمت‌ش و نه صرفاً برپایه حقوق ثابت و اضافه‌کار محاسبه شود. اما از سال ۱۳۸۶ تا ۱۴۰۰، یعنی به‌مدت ۱۴ سال، این قانون عملاً روی زمین ماند. در تمام این سال‌ها، جامعه پرستاری بارها خواستار اجرای آن شد، اما هر بار با دلایل مختلف از جمله نبود بودجه، عدم تدوین آیین‌نامه اجرایی و مقاومت ساختار پزشک‌محور وزارت بهداشت، اجرا متوقف شد. درحالی‌که طی همین سال‌ها تعرفه خدمات پزشکی چندین بار افزایش یافت و سالانه بازنگری شد، تعرفه پرستاری حتی تعیین هم نشد. نتیجه این شد که فاصله پرداختی میان پزشک و پرستار روزبه‌روز بیشتر شد. به‌طور متوسط در یک بیمارستان دولتی، اختلاف دریافتی یک پزشک متخصص با یک پرستار گاهی به بیش از چهل تا صد برابر رسیده است. این یعنی در یک نظام واحد، کسی که چند دقیقه بیمار را ویزیت می‌کند، چند ده برابر کسی که ۲۴ ساعت مراقب همان بیمار است، دریافتی دارد. درنهایت، پس از سال‌ها فشار افکار عمومی و اعتراض‌های صنفی، وزارت بهداشت در سال ۱۴۰۰ اعلام

❏ وزارت بهداشت می‌گوید نسبت پرستار به تخت تا حدی کنترل شده؛ از نظر شما آمار واقعی چگونه است؟
براساس استانداردهای وزارت بهداشت، برای هر تخت بیمارستانی باید ۱.۸ پرستار وجود داشته باشد، اما در عمل این عدد در کشور ما کمتر از ۰.۸ است، یعنی کمتر از نصف استاندارد. درنتیجه پرستاران مجبورند شیفت‌های طولانی و بی‌دربی داشته باشند. این مسئله خطای کیفیت خدمات را پایین می‌آورد، بلکه سلامت بیماران را نیز تهدید می‌کند. در کشورهای توسعه‌یافته، ساعت کار طوری تنظیم می‌شود که پرستار بتواند تمرکز و آرامش خود را حفظ کند، ولی در ایران، گاهی پرستار ۱۸ تا ۲۴ ساعت در بیمارستان است. این مسئله خطای پرستاری را بالا می‌برد. تحقیقات جهانی نشان داده اضافه‌کاری بیش‌ازحد، خطاهای پرستاری را تا ۱۴ درصد افزایش می‌دهد. این یعنی جان بیماران به‌صورت جدی در خطر است.

❏ چرا در برخی مناطق مثل تهران داوطلب خدمت پرستاری کم است، ولی در شهرهای کوچک داوطلب زیاد؟

چون نظام توزیع نیروها علمی و عادلانه نیست. وزارت بهداشت در سالیان گذشته برای جلب رضایت برخی نمایندگان مجلس، در شهرهایی دانشگاه پرستاری ایجاد کرده که حتی بیمارستان آموزشی ندارند. درنتیجه، در آن شهرها پرستار بیکار زیاد است، ولی در کلانشهرهایی مانند تهران که هزینه زندگی بالاست و فشار کاری سنگین‌تر است، کسی حاضر به کار نمی‌شود. اگر سیاستگذاری مبتنی‌بر نیاز واقعی مناطق بود، امروز این بی‌تعادلی را نداشتیم. مشکل ما فقط کمبود نیرو نیست، بلکه سوءمدیریت در استفاده از نیروهای موجود است.

❏ وزارت بهداشت مدعی شده است آمار مهاجرت پرستاران کاهش پیدا کرده. آیا این ادعا درست است و پرستاران ایران کمتر مهاجرت می‌کنند؟

این ادعا درست نیست و آمارها واقعی نیست. مبنای



دبیرکل خانه پرستار در گفت‌وگو با «پیام ما» هشدار داد:

تبعیض، پرستاران را فرسوده و بی‌انگیزه کرده است

اگر عدالت برقرار شود و شأن حرفه‌ای پرستاران حفظ شود، مطمئن باشید نه مهاجرتی رخ می‌دهد و نه کمبود نیرویی باقی می‌ماند

کمبود شدید نیرو و شیفت‌های طاقت‌فرسا، مهاجرت به خارج از کشور و ترک شغل در میان پرستاران و تبعیض‌های شغلی علیه آنان، موجب شده است «محمد شریفی‌مقدم»، دبیرکل خانه پرستار، وضعیت پرستاری در ایران را بحرانی بداند. او در گفت‌وگو با «پیام ما» می‌گوید: فشار کاری، تبعیض در پرداخت‌ها و اجرای ناقص قانون تعرفه‌گذاری، پرستاری را به یکی از فرساینده‌ترین مشاغل کشور بدل کرده است.

است، نمی‌تواند درست باشد. براساس آمارهای وزارت بهداشت حدود دو هزار نفر نیز در سال بازنشست می‌شود. بنابراین، اگر بخواهیم جمع بزنیم و حتی آمار پرستارهای مهاجرت‌کرده را هم محسوب کنیم، سالیانه بین چهار تا پنج هزار نفر خروجی پرستار داریم. ما وقتی آمار را بگوییم باید آمار واقعی را بگوییم. چه تعداد نیروهای ما شرکتی هستند؟ چه تعداد قراردادی؟ باید اینها جزو آمار بیایند. آنچه ما می‌بینیم این است که بیمارستان‌ها در حال خالی شدن از پرستار هستند. نسبت پرستار و تخت ما در ۱۰ سال قبل یک بود، اما الان ۰.۸ یا ۰.۹ است. ما ۱۰ سال قبل تخت‌ها را تخصصی و فوق‌تخصصی، تخت آی‌سی‌یو، دیالیز و... به‌اندازه امروز داشتیم. در گذشته که نسبت پرستار به تخت یک بود، عمده تخت‌های ما عمومی بود، نیاز به مراقبت از بیمار عمومی در ۲۴ ساعت چهار ساعت است، درحالی‌که در بخش آی‌سی‌یو ۲۰ ساعت است. الان که نیاز در بخش آی‌سی‌یو و... افزایش پیدا کرده و براساس قانون به‌روری ساعات کاری کم شده، این ۰.۹ نسبت پرستار به تخت بسیار سؤال‌برانگیز است.

❏ چرا انگیزه در میان پرستاران تا این حد کاهش یافته است؟
چون پرستاری در ایران شغل سخت، خطر و بی‌پاداشی است. پرستاران در همه بحران‌ها از کرونا گرفته تا زلزله‌ها و بلایای طبیعی پیشقدم بوده‌اند، اما در سیاستگذاری‌ها آخرین گروهی هستند که دیده می‌شوند. در دوران کرونا، در میان جان‌باختگان، پرستاران بیشترین آمار را داشتند؛ ایران یکی از کشورهایی بود که بالاترین آمار جان‌باختگان پرستار را داشت. بسیاری از همکاران ما به‌دلیل تماس مستقیم با بیماران از دست رفتند. این نشان‌دهنده سختی کار پرستاری است و در همه کشورها برای اینکه بتوانند این نیروها را حفظ کنند، انگیزنده‌های بسیار زیادی ایجاد می‌کنند. اما در ایران نه‌تنها با کمبود پرستار مواجه‌ایم و نیروها در بحران باید بار کمبود نیرو را به دوش بکشند، انگیزه‌ای هم برای آنها وجود ندارد. پرستاران ما پس از بحران کرونا نه‌تنها حمایت و پاداشی ندیدند، بلکه مطالباتشان هم نادیده گرفته شد. امروز پرستار باید چند شیفت کار کند تا هزینه‌های زندگی‌اش را تأمین کند. این حجم از کار باعث خستگی مفرط، فرسودگی جسمی و روانی می‌شود. وقتی انگیزه مالی و شغلی از بین برود، حتی بهترین نیروها هم دلسرد می‌شوند. در بسیاری از بیمارستان‌ها نیروهای شرکتی بعد از اتمام قرارداد حاضر به تمدید نیستند. براساس آمار معاون پرستاری وزارت بهداشت سالانه حدود دو هزار پرستار رسمی ترک خدمت می‌کنند؛ اگر نیروهای شرکتی را هم حساب کنیم، این رقم به‌مراتب بالاتر است. بین ۵۰ تا ۶۰ درصد نیروهای پرستاری، شرکتی و قراردادی هستند و وقتی قراردادشان تمام شد، دیگر حاضر نیستند بازگردند. بنابراین، این نیروها اصلاً جزو آمار ترک خدمتی‌هایی که از سوی وزارت بهداشت اعلام می‌شود، به‌شمار نمی‌آیند. من این پرسش را از مسئولان وزارت بهداشت می‌پرسم: نه در طول سال بلکه تنها در ایام جنگ دوازده‌روزه چه تعداد نیروی پرستاری ترک خدمت کردند؟ مدیران وزارت بهداشت باید این آمار را ارائه دهند. بنابراین، آمار ترک شغلی که ارائه شده

پرستاری در ایران مدت‌هاست، با کمبود نیرو دست‌وپنجه نرم می‌کنند، بسیاری از پرستاران با چند شیفت کاری پیاپی شب و روز را پشت سر می‌گذارند و بخش قابل‌توجهی از آنان برای تأمین معیشت خود ناچار به کار دوم یا حتی مهاجرت شده‌اند. اجرای ناقص قانون تعرفه‌گذاری خدمات پرستاری و نادیده گرفتن نقش پرستاران در نظام پرداخت، احساس بی‌عدالتی و بی‌انگیزگی را در این قشر تشدید کرده است. در همین رابطه «پیام ما» با «محمد شریفی‌مقدم»، دبیرکل خانه پرستار، به گفت‌وگو نشسته است.

❏ چندین سال است شما و دیگر فعالین صنف پرستاری همواره نسبت به وضعیت کنونی پرستاران رویه‌ای انتقادی و اعتراض‌آمیز دارند، این انتقادات و اعتراضات به چه دلیل است؟ و اگر بخواهیم تصویری واقعی از شرایط امروز این حرفه ارائه دهیم، پرستاری ایران دقیقاً در چه وضعیتی قرار دارد؟

اگر بخواهم به‌صورت کلی بگویم، حال پرستاری کشور خوب نیست و درواقع پرستاری در بحران به سر می‌برد و مردم دچار خسارت می‌شوند؛ چرا یک پرستار به‌دلیل موانع بی‌شماری که بر سر راه او وجود دارد، نمی‌تواند خدمت خود را ارائه دهد. مردم برای اینکه بتوانند کف مراقبت‌های پرستاری را دریافت کنند، به حداقل نیروی پرستاری نیاز است. از سوی دیگر، نیروی پرستار باید انگیزه داشته و کارآمد باشد. پرستاری کشور در حال حاضر به‌لحاظ کمیت نیرو دچار مشکل است و اگر مردم بخواهند حداقل مراقبت‌ها را دریافت کنند، همین امروز باید صد هزار نیروی جدید استخدام شوند. به شرط استخدام این صد هزار نفر، باز هم مردم بسیاری از خدمات مراقبتی را که حق آنان است؛ دریافت نمی‌کنند. به‌لحاظ کیفی هم وقتی یک نیروی جدید وارد بیمارستان می‌شود، باید عوامل انگیزشی وجود داشته باشد تا بتوان این نیروها را در بیمارستان نگهداشت. در حال حاضر، با کمبود صد هزار نفر پرستار مواجه‌ایم. بنابراین، بار کاری این میزان افراد بر دوش تعداد پرستار موجود است. در بحران‌هایی مانند کرونا و زلزله هم همین تعداد پرستار وجود دارد و آنها باید خدمت ارائه دهند و این کار را می‌توانند انجام دهند، اما وقتی بحران‌ها تداوم داشته باشند؛ این نیروها فرسوده و درنتیجه کارایی آنها کاهش پیدا می‌کند.

❏ درحالی‌که شما از کمبود صد هزار پرستار سخن می‌گویید، آمارها نشان می‌دهد حدود صد هزار پرستار بیکارند. چرا این افراد به کار گرفته نمی‌شوند؟
بله، این یکی از عجیب‌ترین و درعین‌حال دردناک‌ترین واقعیت‌هاست. از یک طرف، کمبود شدید نیرو داریم و از طرف دیگر، هزاران پرستار تحصیل‌کرده بیکار مانده‌اند. دلیل این تناقض سیاست‌های نادرست وزارت بهداشت در یک دهه گذشته است. وزارت بهداشت با یک دیدگاه استثمارگونه می‌خواست کمبود نیرو را با افزایش دانشکده‌های پرستاری جبران کند. ظرفیت پذیرش دانشجوی پرستاری را ۳۰۰ درصد افزایش دادند، بدون اینکه فکر کنند آیا امکان استخدام این نیروها وجود دارد یا نه؟ درحالی‌که وقتی ظرفیت پزشکی را ۲۰ درصد



یاسر مختاری

روزنامه‌نگار



از یک طرف، کمبود شدید نیرو داریم و از طرف دیگر، هزاران پرستار تحصیل‌کرده بیکار مانده‌اند دلیل این تناقض سیاست‌های نادرست وزارت بهداشت در یک دهه گذشته است



پرستاری در ایران شغل سخت و خطر و بی‌پاداشی است پرستاران در همه بحران‌ها از کرونا گرفته تا زلزله‌ها و بلایای طبیعی پیش‌قدم بوده‌اند، اما در سیاستگذاری‌ها آخرین گروهی هستند که دیده می‌شوند

از ابتدای سال تا یازدهم مهرماه، در سواحل دریای خزر لاشه ۸۲ فوک خزری پیدا شده است

جان دادن در آب، جنازه در خشکی

مرکز حفاظت فوک خزری ایران: در گلستان یک بیمارستان از سال‌های قبل برای بازپروری و امدادونجات فوک‌ها بود و حالا مرکز بوجاق هم اضافه شده، اما متأسفانه در مازندران مرکزی نداریم



ا فروغ فکری | روزنامه‌نگار|

از ابتدای سال تا یازدهم مهرماه، لاشه ۳۵ فوک در گیلان، ۴۶ فوک در مازندران و یک فوک در سواحل استان گلستان پیدا شده است. این آماری است که مرکز حفاظت فوک خزری ایران به «پیام ما» داده است. یک روز بعد از ارائه این آمار توسط این مرکز، خبر آمد لاشه یک فوک دیگر در ساحل فرح‌آباد ساری پیدا شده. در تصاویر، لاشه از آب بیرون کشیده می‌شود و هنوز مشخص نیست چه مدت از زمان مرگش گذشته است. اما آن‌طورکه شواهد چند سال اخیر نشان می‌دهند، به نسبت گذشته پیدا شدن جسم بی‌جان فوک‌ها در سواحل ایران افزایش یافته، اما هنوز دلیل اغلب این مرگ‌ومیرها مشخص نیست. لاشه‌هایی که در هفته گذشته به سواحل گیلان رسیدند، زمانی پیدا شدند که دچار فساد و پوسیدگی بودند و برای بررسی علت مرگ دیر بود. همین دلیلی است که با لاشه‌های گوناومی در معرض خطر انقراض روبه‌رو باشیم، بی آنکه در اغلب موارد دلیل مرگ مشخص باشد.

[خ] افزایش آمار مرگ فوک‌ها در سال‌های اخیر

گذشته هم لاشه‌های جدید پیدا شده است که پس از این اتفاق «عباس عاشوری»، رئیس اداره حفاظت از زیست‌بوم دریایی و پایش آلودگی‌های دریایی اداره‌کل حفاظت محیط‌زیست استان گیلان، به مهر گفت با توجه به اینکه تاکنون گزارشی از مرگ‌ومیر در سایر گونه‌های دریایی خزر دریافت نشده است، احتمال وجود عامل ویروسی به‌عنوان علت اصلی این تلفات مطرح است. «این مرگ‌ومیرها عمدتاً در بخش‌های میانی دریا رخ داده و با موج شدن دریا و در زمان بارندگی‌ها، لاشه‌ها به ساحل منتقل شده‌اند. بیشترین لاشه‌های کشف‌شده مربوط به سواحل شهرستان‌های بندرانزلی، بندر گیاشهر و رشت بوده است. هشت لاشه در فصل بهار، ۱۶ لاشه در تابستان و دو لاشه نیز در روزهای ابتدایی مهرماه در سواحل گیلان مشاهده شده است.» به‌گفته او، تا زمان مشخص شدن علت دقیق این تلفات، ضروری است تمامی شهروندان و نهادهای محلی همکاری لازم را به‌عمل آورند تا از گسترش احتمالی ویروس (درصورت تأیید و اثبات) به سایر پستانداران ساحلی مانند شغال‌ها و سگ‌ها جلوگیری شود.

در آذربایجان نیز پژوهشگران محلی از کاهش چشمگیر جمعیت و ناپدید شدن این پستانداران از زیستگاه‌های سنتی خبر می‌دهند. چنانچه Caspian Seal Conservati – Azerbaijan یا شبکه بین‌المللی حفاظت از فوک خزری در آذربایجان و پروژه‌ای که توسط «تاریل ایباتوف» و تیمش در شبه‌جزیره آبشرون هدایت می‌شود، آماری نگران‌کننده از این گونه ارائه داده است. یافته‌های این گروه نشان می‌دهد جمعیت فوک‌ها در آب‌های آذربایجان از هزاران فرد در دهه‌های گذشته به تقریباً صفر در سال‌های اخیر کاهش یافته است، که بخش بزرگی از آن ناشی از شکار تاریخی و تغییرات محیط‌زیستی است.

[خ] پستاندار در آستانه انقراض که هنوز امید زنده ماندن دارد

در کنار این امراها اما به‌تازگی شرکت North (Caspian Operating Company) (NCOC) گزارشی درباره وضعیت فوک‌های خزری در سال‌های ۲۰۲۰ تا ۲۰۲۴ منتشر کرده که تصویری نگران‌کننده اما امیدوارکننده از این گونه ارزشمند دریای خزر ترسیم می‌کند. براساس این گزارش که در کاسپیکا، «آژانس حفاظت از فوک‌های دریای خزر»، منتشر شده است، نتایج بررسی‌های هوایی در زمستان و بهار سال ۲۰۲۴ نشان می‌دهد که جمعیت فوک‌های خزری پس از افت شدید در سال‌های اخیر، حدود ۷٫۵ درصد افزایش یافته و نرخ باروری ماده‌ها نیز نسبت به سال ۲۰۱۲ حدود ۱۲/۸ درصد رشد داشته است. این روند گرچه آهسته است، اما نشان‌دهنده آغاز فرایند احیای جمعیت پس از تلفات گسترده سال‌های ۲۰۲۲ و ۲۰۲۳ است.

مطالعات زیستی انجام‌شده در همین بازه زمانی حاکی از آن است که بخشی از این جمعیت در معرض آلودگی‌های شیمیایی همچون جیوه قرار دارند و بیماری‌های ویروسی مانند آنفلوآنزای A و دیستمبر نیز تهدیدی جدی برای بقای آنها محسوب می‌شود. همچنین، سطح بالای هورمون کورتیزول در فوک‌های نابالغ نسبت به بالغ‌ها، نشانه‌ای از استرس‌های محیطی و شرایط زیستگاهی نامناسب است.

از سوی دیگر، کاهش سطح آب دریای خزر به‌عنوان یکی از مهم‌ترین چالش‌های کنونی زیستگاه فوک‌ها مطرح شده است. برآوردها نشان می‌دهد درصورت تداوم این روند، تا پایان دهه جاری بیش از ۸۰ درصد زیستگاه‌های زادآوری از بین خواهند رفت. فعالیت‌های انسانی نیز در این میان بی‌تأثیر نیستند؛ برای نمونه، بررسی‌ها در ماه‌های ژانویه تا مارس ۲۰۲۴ نشان داد عبور یخ‌شکن‌ها از مسیرهای معمول می‌تواند باعث پراکندگی یا مرگ توله‌ها شود. بااین‌حال، اصلاح مسیرها برپایه داده‌های حاصل از پایش‌های هوایی، تا حدودی از این آسیب‌ها جلوگیری کرده است.

تحقیقات ماهواره‌ای درباره مسیرهای مهاجرت فوک‌ها نیز نشان می‌دهد الگوهای جابه‌جایی این گونه در دهه‌های اخیر تغییر چندانی نکرده است؛ هرچند نواحی زمستان‌گذرانی آنها به‌طور محسوسی به‌سمت شمال جابه‌جا شده که احتمالاً ناشی از گرمایش آب و تغییر اقلیم است. فوک خزری امروز بیش از هر زمان دیگری نیازمند حمایت و همکاری میان‌دولتی کشورهای حاشیه دریای خزر است. اگرچه نتایج پژوهش‌های اخیر نشانه‌هایی از بازگشت امید را در دل دوستداران محیط‌زیست زنده کرده، اما تهدیدهای بزرگ همچنان پابرجاست و آینده این گونه در معرض خطر انقراض در گرو اقدام‌های فوری و پایدار حفاظتی خواهد بود.

[خ] کشورهای اطراف خزر شاهد مرگ‌ومیر

یکی از بزرگ‌ترین فجایع محیط‌زیستی در دسامبر ۲۰۲۲ رخ داد؛ زمانی که بیش از دو هزار و ۵۰۰ لاشه فوک خزری در سواحل جمهوری داغستان روسیه کشف شد و کارشناسان شمار کل تلف‌شدگان را تا حدود ۱۰ هزار فرد برآورد کردند. آن‌طورکه وب‌سایت کاسپیکا نوشته، در قزاقستان نیز طی پاییز ۲۰۲۴ مرگ‌ومیر قابل‌توجهی گزارش شد. براساس حمایت و همکاری میان‌دولتی کشورهای حاشیه دریای خزر است. اگرچه نتایج پژوهش‌های اخیر نشانه‌هایی از بازگشت امید را در دل دوستداران محیط‌زیست زنده کرده، اما تهدیدهای بزرگ دیگر در استان منگیستو منتشر کرد. کارشناسان علت مرگ را ترکیبی از عوامل محیط‌زیستی، آلودگی و شیوع موریبیلی‌ویروس اعلام کردند.

نوبت اول

آگهی موضوع ماده ۳ قانون و ماده ۱۳ آیین‌نامه قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمان‌های فاقد سند رسمی برابر رای شماره ۱۳۴۴۴۴۱۱۰۳۴۴۴۴-۱۴۰۴/۰۷/۱۵ هیات موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمان‌های فاقد سند رسمی مستقر در واحد ثبت ملک صومعهسرا تصرفات مالکانه بلامعارض متقاضی خاتم اکرم احمدزاده گورا بزرمخی فرزند غلامحسین به شماره شناسنامه ۱۳۹۷ صادره از صومعهسرا در ششادگ یک قطعه زمین مشتمل بر یکپایه خانه و محوطه بهمساحت ۴۲۲٫۶۶ مترمربع پلاک ۱۹۰۳ فرعی ۱۲۵/۱ اصلی مفروز و مجزی شده از پلاک ۸۸ واقع در گوراب زرمیخ بخش ۲۲ گیلان مرکز گردیده است. لذا بمنظور اطلاع عموم مراتب در دو نوبت به فاصله ۱۵ روز آگهی می‌شود چنانچه اشخاصی نسبت به صدور سند مالکیت متقاضی بشرح مذکور اعتراض داشته باشد می‌توانند از تاریخ اولین انتشار آگهی بمدت ۲ ماه اعتراض خود را به این اداره تسلیم و پس از اخذ رسید طرف مدت یک ماه از تاریخ تسلیم اعتراضی دادخواست خود را به مراجع قضایی تقدیم نمایند. بدیهی است ورسید در صورت انقضای مدت مذکور و عدم وصول اعتراض مدت مذکور طبق مقررات سند مالکیت صادر خواهد شد.

یدالله شهبازی – رئیس ثبت‌انساند و املاک شهرستان صومعهسرا
تاریخ انتشار نوبت اول: ۱۴۰۴/۰۷/۱۹ – تاریخ انتشار نوبت دوم: ۱۴۰۴/۰۸/۰۴
شناسه آگهی: ۲۰۲۱۲۶۴ – م الف: ۹۱۰۲۵۳۱

نوبت اول

آگهی مناقصه عمومی

سازمان اتوبوسرانی شهرداری قزوین در نظر دارد پروژه تهیه و نصب تجهیزات سامانه‌های نظارتی ناگان اتوبوسرانی شهرداری قزوین را به‌صورت مناقصه، به واجدین شرایط واگذار نماید؛ لذا متقاضیان می‌توانند پس از انتشار آگهی، جهت دریافت اسناد مناقصه از طریق سامانه تدارکات الکترونیکی دولت به آدرس www.setadiran.ir مراجعه نمایند. پاکات "الف" و "ب" و "ج" می‌بایست در سامانه بارگذاری و اصل تضمین شرکت در مناقصه (پاکت الف) مندرج در اسناد به دبیرخانه مرکزی واقع در قزوین انتهای بلوار امام علی (ع) ابتدای جاده نجم‌آباد سازمان اتوبوسرانی شهرداری قزوین تحویل گردد.

هزینه آگهی بر عهده برنده مناقصه می‌باشد.

تلفن تماس: ۰۲۸۳۳۷۹۵۳۲۷ – داخلی ۱۲۳

سید محمد مهدی تقوی – مدیرعامل و عضو هیات مدیره

تاریخ انتشار نوبت اول: ۱۴۰۴/۰۷/۱۹ – تاریخ انتشار نوبت دوم: ۱۴۰۴/۰۷/۲۱

خبر [خ]

با نابودی جنگل‌ها

پروانه‌ها رنگ می‌بازند

ایپام |ا درخشش رنگ‌های پروانه‌ها حاصل میلیون‌ها سال تکامل در زیست‌بوم‌های سرسبز بوده است تا بتوانند بقا یابند. اما اکنون، برای سازگاری با چشم‌اندازهای تخریب‌شده، رنگ‌هایشان کم‌فروتر می‌شود و تنها آن‌ها نیستند که رو به بی‌رنگی می‌روند. به‌گزارش گالاردین، در گذشته بال‌های درخشان و پررنگ پروانه‌ها نشانه بقا بود و به آنها کمک می‌کرد جفت پیدا کنند یا از شکارچیان پنهان شوند. اما پژوهش تازه‌ای نشان می‌دهد با جایگزینی جنگل‌های گرمسیری غنی توسط انسان با مناظر یکنواخت و تک‌کشت، رنگ در دنیای جانوران نیز در حال محو شدن است. «روبرتو گارسیا روا»، پژوهشگر و عکاس، می‌گوید: «رنگ‌های روی بال پروانه‌ها بی‌اهمیت نیستند. این رنگ‌ها حاصل میلیون‌ها سال طراحی طبیعی‌اند.» او بخشی از پروژه‌ای در برزیل است که مستندسازی می‌کند چگونه ازبین‌رفتن زیستگاه‌ها، رنگ را از طبیعت می‌زداید. در جنگل‌های گرمسیری، رنگ‌های خیره‌کننده قرمز، سبزی یا سفید کم‌رنگ، بازتاب تنوع زیستگاه‌هایی است که پروانه‌ها در آنها برای ارتباط، استتار و تولیدمثل زندگی می‌کنند. اما هنگامی که انسان جنگل‌ها را با مزارع یکنواختی مانند کشت اکالیپتوس جایگزین می‌کند، این نیازها تغییر می‌کنند. در چنین محیطی، پس‌زمینه محیط‌زیستی یکنواخت است و گونه‌های کم‌رنگ‌تر عملکرد بهتری دارند؛ در اینجا، «بی‌رنگ بودن» خود نوعی مزیت است. او می‌گوید: «در جنگل‌های گرمسیری احساس زنده بودن می‌کنی؛ همه‌چیز پرتحرک و شگفت‌انگیز است. اما وقتی وارد مزرعه اکالیپتوس می‌شوی، احساس خفگی و سکون داری؛ حیوانات نیستند و صداها خاموش شده‌اند.» مزارع اکالیپتوس نسبت به جنگل‌های طبیعی گرم‌تر، خشک‌تر و در معرض نور مستقیم آفتاب‌اند، درحالی‌که جنگل‌های بالغ، خنک و مرطوب‌اند. پژوهشگران این پدیده را «رنگ‌پریدگی» می‌نامند؛ فرایندی که در آن ازبین‌رفتن زیستگاه‌ها باعث دگرگونی در رنگ‌های جهان طبیعی می‌شود. پروانه‌ها موضوعی ایدئال برای این مطالعه‌اند، زیرا از رنگارنگ‌ترین موجودات روی زمین به‌شمار می‌آیند، به‌سریعت به تغییرات محیطی واکنش نشان می‌دهند و به‌راحتی مشاهده و پایش‌اند. اما رنگ فقط زیبایی‌شناسی نیست، بلکه کارکردی تکاملی دارد. در روندی کلی‌تر، زیست‌بوم‌هایی که زمانی سرشار از رنگ بودند، اکنون با تخریب، سادسازی و آلودگی انسان، به‌سمت تیرگی و یکنواختی می‌روند. مرجان‌ها سفید می‌شوند، اقیانوس‌ها سبوتر می‌شوند، حتی پیش‌بینی می‌شود در مناطق پرجمعیت و آلوده، رنگین‌کمان‌ها نیز کمتر دیده شوند. یک پژوهشگر دانشگاه کینیاگ، می‌گوید: «در مزارع اکالیپتوس، اجتماع پروانه‌ها عمدتاً از گونه‌های قهوه‌ای‌رنگ تشکیل شده است.» او افزود: در این مناطق نوعی «احساس تهی‌بودن» وجود دارد. در مقابل، در جنگل‌های بومی، پروانه‌های رنگارنگ در کنار گونه‌های تیره‌تر دیده می‌شوند. مطالعه آنها در ایالت اسپریتو سانتو در شمال ریو دو ژانیرو انجام شده و تا اکنون ۲۱ گونه در مزارع اکالیپتوس و ۳۱ گونه در جنگل‌های طبیعی شناسایی شده‌اند. پژوهش‌ها نشان می‌دهد این پدیده تنها به برزیل محدود نیست. از آمازون گرفته تا کالیفرنیا و اسپانیا، جنگل‌های تک‌کشت در حال گسترش‌اند. گاریسیا روا می‌گوید: «مزارع قهوه و موز همیشه سبزند و مردم سبزر را نشانه طبیعت می‌دانند، اما اینها طبیعت واقعی نیستند.» پژوهشگر برزیلی، «رنکاردو اسانیوال،» می‌گوید: «(زمین از فضا هم در حال کم‌نور شدن است.» او هشدار می‌دهد اگر جنگل‌های بومی حفظ نشوند، بسیاری از گونه‌های رنگارنگ‌تر و تخصصی‌تر پروانه‌ها ناپدید خواهند شد و تنها معدودی گونه عمومی و کم‌رنگ باقی می‌مانند. بااین‌حال، اسانیاتول امیدوار است: «ما هنوز فرصت داریم این دنیای رنگارنگ را بازگردانیم.»

نوبت اول
سازمان ثبت‌انساند و املاک کشور حوزه ثبت ملک کرج- ناحیه سه هیات موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمان‌های فاقد سند رسمی

آگهی موضوع ماده ۳ قانون و ماده ۱۳ آیین‌نامه قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمان‌های فاقد سند رسمی برابر رای شماره ۱۰۵۴۴۵۰۳۳۱۰۱۱۰۴۴۶۰ مورخ ۱۴۰۴/۰۶/۲۹ هیات موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمان‌های فاقد سند رسمی مستقر در واحد ثبتی حوزه ثبتی ناحیه سه کرج تصرفات مالکانه بلامعارض متقاضی آقای شعیانعلی خسروان به شناسنامه شماره ۴۸۰ صادره از فراهان فرزند حسین در ششادگ یک قطعه زمین با بنای احدثی در آن به مساحت ۱۲۱/۱۵ مترمربع مفروز از پلاک شماره ۴۸۰ فرعی از ۱۷۰ اصلی واقع در البرز و با خریداری از آقای موسی ایپائلو گنجی و با مالکیت مالک اولیه آقای رجبعلی ناصرخاکی تأیید می‌نماید.

لذا بمنظور اطلاع عموم مراتب در دو نوبت به فاصله ۱۵ روز آگهی می‌شود درصورتی‌که اشخاصی نسبت به صدور سند مالکیت متقاضی اعتراضی داشته باشند می‌توانند از تاریخ انتشار اولین آگهی به مدت دو ماه اعتراض خود را به این اداره تسلیم و پس از اخذ رسید طرف مدت یک ماه از تاریخ تسلیم اعتراضی دادخواست خود را به مراجع قضایی تقدیم نمایند. بدیهی است در صورت انقضای مدت مذکور و عدم وصول اعتراض طبق مقررات سند مالکیت صادر خواهد شد.

حسین رضانوری شاد
رئیس اداره ثبت‌انساند و املاک ناحیه سه کرج
از طرف الهه عزیزی
تاریخ انتشار نوبت اول: ۱۴۰۴/۰۷/۱۹
تاریخ انتشار نوبت دوم: ۱۴۰۴/۰۸/۰۵
شناسه آگهی: ۲۰۱۷۵۶۸

نوبت اول
(آگهی ارزیابی کیفی ۵۱-۰۴)
(خرید تجهیزات بدنسازی مجموعه فرهنگی ورزشی)

شرکت گاز استان کرمان در نظر دارد فراخوان ارزیابی کیفی جهت برگزاری مناقصه (خرید تجهیزات بدنسازی مجموعه فرهنگی ورزشی) به شماره ۰۰۴۰۳۱۳۱۶۴۰۰۰۰۸۹ طریق سامانه تدارکات الکترونیکی دولت برگزار نماید. کلیه مراحل برگزاری فراخوان ارزیابی کیفی از دریافت و تحویل اسناد استعلام ارزیابی کیفی تا ارسال دعوت‌نامه جهت سایر مراحل مناقصه، از طریق درگاه سامانه تدارکات الکترونیکی دولت (ستاد) به آدرس www.setadiran.ir انجام خواهد شد لازم است مناقصه گران در صورت عدم عضویت قبلی، مراحل ثبت نام در سایت مذکور و دریافت گواهی امضای الکترونیکی را جهت شرکت در مناقصه محقق سازند.

تاریخ انتشار فراخوان در سامانه تاریخ ۱۴۰۴/۰۷/۱۹
می‌باشد.
بهمن – حد فاصل سه راه ادیب با چهار راه شعبانیه شماره تماس: ۰۳۴-۳۱۳۲۶۰۰۰
شماره فکس: ۰۳۴-۳۳۳۲۹۶۶۱
مناقصه گران ارسال خواهد شد.
میلث دریافت اسناد استعلام ارزیابی کیفی: عضویت در سامانه:
مرکز تماس: ۰۲۱-۴۱۹۳۴۰
میلث ارسال پاسخ استعلام ارزیابی کیفی: ۱۴۰۴/۰۸/۱۱ دفتر ثبت نام: ۸۵۱۹۳۷۶۸ و ۸۸۹۶۹۷۳۷

مدت زمان اجرا(روز)	۳۰	تاریخ چاپ نوبت اول	۱۴۰۴/۰۷/۱۹	کد فراخوان	۰۰۴۰۳۱۳۱۶۴۰۰۰۰۸۹
تعداد مرحله	دو	تاریخ چاپ نوبت دوم	۱۴۰۴/۰۷/۲۰	مبلغ تضمین(ریال)	۵۰۰۰۰/۰۰۰/۰۰۰۰

روابط عمومی شرکت گاز استان کرمان

بحران‌زده از شهر به نمایش می‌گذارد. «زها میربازی» از زاویه گردشگری به موضوع نگاه می‌کند. او می‌گوید: «اصفاغان همیشه در ذهن گردشگران خارجی با تصویر سی‌وسه‌پل بر آب شناخته می‌شود. وقتی گردشگری از آن سوی دنیا می‌آید و رودخانه خشک را می‌بیند، اولین چیزی که به ذهنش می‌رسد، این است که شهر میراث خود را از دست داده است.»

او خاطره‌ای نقل می‌کند: «سال گذشته گروهی از گردشگران آلمانی را به پل خواجه بردم. یکی از آنان گفت: این پل زیباست، اما چرا روی بستر مردم ساخته شده؟ این جمله نشان می‌دهد خشکی پل‌اندروند زنده‌ها جاذبه را از بین برده، بلکه تصویری منفی از مدیریت میراث در ذهن گردشگران ایجاد کرده است.» میرزایی می‌گوید: «اصفهان روزگاری مقصد اول گردشگری فرهنگی در ایران بود، اما امروز بسیاری از توره‌ها برنامه‌هایشان را به شیراز یا یزد منتقل می‌کنند؛ چون دیگر نمی‌توانند رایزه‌دروند زنده را به مسافران نشان دهند. این ضربه‌ای جدی به اقتصاد گردشگری شهر است. برای بازگشت گردشگری، بازگشت پل‌اندروند حیاتی است. هیچ کمپین تبلیغاتی، هیچ پروژه نورپردازی یا مرمت سطحی نمی‌تواند جای تصویر پل بر روی آب را بگیرد. گردشگران برای دیدن زندگی می‌آیند. نه مرگ. پل‌اندروند باید زنده شود تا پل‌ها دوباره زنده شوند.»

📖 روایت مردم؛ حافظهای در حال محو شدن

«محمد مرصا»، ساکن قدیمی محله چهارباغ، می‌گوید: «کودکی‌ما با بازی در آبرج‌های زاینده‌رود و عبور از سی‌وسه‌پل، گره خورده بود، امروز وقتی روزه همان یل می‌ایستمت، تنها بستر خشک و بی‌جان را می‌بینمت. این برای من مثل از دست دادن بخشی از هویتیم است.» مریم، معلم دبستان است و معتقد است: «بچه‌های نسل جدید زاینده‌رود را جز در عکس‌های قدیمی نمی‌شناسند. این خطرناک است؛ چون آبجی‌ها بخشی از میراث شهر خود را تجربه نمی‌کنند و از عاطفی بی‌اندازند.»

روز ملی زایندهرود؛ مطالبه برای احیای میراث

در چنین شرایطی، روز ملی زایندهرود در دهم اکتبر، به برسر پایان بیان اعتراضی و امید مردم تبدیل شده است. هشت سال هزاران نفر در کنار بستر خشک این رودخانه جمع می‌شوند و قریباً دین زایندهرود را زنده نگه‌دارند و می‌بیشکی می‌خواهند. این روز فقط یک مناسبت زیست‌محیطی نیست؛ بلکه یادآوری این حقیقت است که با خشکی زایندهرود، بخشی از میراث جهانی در خطر نابودی است. اصفاهان بدون زایندهرود؛ پهلای زنده‌اش، نصف جهان نخواهد بود.

زاینده‌دود و پهلای تاریخی اصفهان دو روی یک سکه‌اند. حبیب پهلای به آب وابسته است و حیات شهر به این پهلای خست‌خسته‌ی مستدر زودخانه تهدیدی جدی برای میراثی است که قرن‌ها شکوه اصفهان را شکل داده است. احیای زاینده‌دود تنها یک مطالبه زیست‌محیطی نیست، بلکه ضرورتی برای حفظ میراث‌فرهنگی، حیات اجتماعی و آینده گردشگری ایران است. اگر امروز اقدامی نشود، فردا شاید دیگر دیر باشد و پهلایانی چون سوسنپل و خواجه تنها در عکس‌ها و خاطرات باقی‌مانند.

۱ امکان فروریزش دهانتان به بل دربارۀ زمانی ۱۰ ساله

«سمیه بهزادی»، متخصص ژئوتکنیک، نگاشتر این متنظر مهذبسی خاک بیان می کند: «می گوید: «ایله تاریخی اصفهان بر بسترنی بنا شده اند که هوادر بارطوبت در تماس دوده آست. این رطوبت باعث می شد خاک نرم باقی بماند و نشستها بهطور طبیعی متعادل شوند. اکنون اما خشکیدگی شدید موجب تغییر بافت خاک شده است. این ترک می خورد، متراکم می شود و فشار جدیدی بر پایانه وارد می کند».

این متخصص ژئوتکنیک ضمن هشدار درباره وضعیت آینده این یله های می گوید: «بررسی های ما روی سیوسیلین نشان داده در بخش هایی از پایانه، آلات اهکی شروع به پوک شدن کرده است. دلیل آن تغییر چرخه رطوبت و خشکی است. وقتی بهطور ناگهانی سیلابی می آید و بعد دوباره خشکی حاکم می شود، سازه شوک شدیدی می بیند. این نوسان از نظر ژئوتکنیکی بسیار خطرناک است. اگر این روند ادامه پیدا کند، در یک بازه ۱۰ساله ممکن است بار فروریزش بخشی از همانجا مواجه شویم. مایل طاهری مستحکم دارند، اما آسیبهای درونی بهمربتب جدی تر است. باید همین حالا دست به اقدام پیشگیرانه نزیم، نه اینکه منتظر حادثه بمانیم».

اما بر لزوم پایاد دائمی تأکید می کند: «یله های تاریخی نیاز به سیستم پایش هوشمند دارند. سنسورهای لرزمونج و رطوبتونج می تواند به ما بگوید چه تغییریاتی در سازه رخ می دهد. این کاری است که در دنیا برای میراث مشابه انجام می دهند، اما در اصفهان هنوز بهطور جدی پیاده نشده است».

«فرهاد ابریشمی»، عضو هیئت‌مدیر دانشگاه هنر، تهران، زاینده‌رود را از منظر فرهنگی تحلیل کرده و می‌گوید: «یل‌های اسفهان در حافظه مردم فقط بناهای سنگی نیستند؛ آنها صحنه زندگی اجتماعی پودمان. در این‌ها خواجه آواز می‌خواندند، روی سی‌وسهیل چش‌شهرهای آینه‌وار برگزار می‌شد و حتی دیدارهای عاشقانه در سایه این یل‌ها شکل می‌گرفت. امروز که رود خشک‌شده، این همه زندگی اجتماعی محو شده است. وقتی سکوت جای صدای ساز و خنده مردم را می‌گیرد، فقط یک بستر خشک نداریم؛ بلکه با مرگ یک فرهنگ مواجهیم. ارزش میراث جهانی تنها در کالبد نیست، بلکه در بستر زندگی است که آن بنا را آن قرار دارد.»

ابریشمی با اشاره به معیارهای یونسکو تأکید می‌کند: «یونسکو میراثی را ثبت می‌کند که هم کالبد و هم زمینه فرهنگی آن زنده باشد. اگر زادشود برنگردد، حتی اگر پهلای به شکل فیزیکی باقی بمانند، ارزش بسیاری آنها زیر سؤال می‌رود؛ حتی دیگر در بستر تاریخی خود معنا نخواهند داشت. نجات پهلای اصفهان فقط کار مرمتگران نیست، این یک پروژه ملی است؛ دولت، جامعه مدنی، دانشگاه‌ها و حتی شهروندان باید وارد عمل شوند. یادشودند».

باید به جریان شیفتد تا این میراث همچنان زنده بماند. بدون آب، هیچ مرتعی نمی‌تواند روح را به باغزرگاند».

۴) بحران اجتماعی و گردشگری در اثر خشکی زاینده رود
خشکی زاینده رود پیامدهایی فراتر از میراث معماری دارد. گردشگران داخلی و خارجی که برای دیدن انعکاس پل‌ها در آب به اصفهان می‌آیند، با بستر ترک‌خورده رود مواجه می‌شوند. این تصویر نغزها جذابیتهای آن را از بین می‌برد.

خشکی مداوم مهم‌ترین رودخانه فلات مرکزی، میراث جهانی را در خطر نابودی فرهنگی قرار داده است

اصفهان بدون زاینده رود، بدون زندگی

اصفهان، که قرن‌ها به «نصف جهان» شهرت یافته، هویت خود را بیش از هر چیز مدیون زاینده‌رود و سازه‌های شگفت‌انگیزی است که روی آن بنا شده‌اند. بزرگ‌ترین رودخانه لات مرکزی ایران، نه‌تنها منبع حیات طبیعی و اقتصادی منطقه، بلکه زمینه‌ساز پیدایش و شکوفایی معماری صوفی بود؛ معماری‌ای که امروز بخش مهمی از میراث فرهنگی جهانی محسوب می‌شود. پل‌هایی مانند سی‌وسه‌پل، خواجو، جوبی و ماران، که به دستور شاهان صفوی ساخته شدند، تنها مسیرهای ارتباطی نبودند؛ این پل‌ها کارکردهایی اجتماعی، آیینی و هنری داشتند و در حفظه تاریخی مردم اصفهان به‌عنوان صحنه‌هایی زنده از زندگی جمعی ثبت شده‌اند. اما اکنون خشکی مستم‌تر رودخانه این شریان حیاتی را از نفس انداخته و پل‌های تاریخی را در معرض تهدید جدی قرار داده است. به‌یادگیری از کارشناسان میراث فرهنگی، خشکی مداوم و دردهایی می‌تواند نه‌تنها ساختار فیزیکی این پل‌ها، بلکه کارکرد اجتماعی و ارزش فرهنگی آنها را به نابودی بکشاند. به‌بهاه روز ملی زاینده‌رود ضمن مرور تاریخچه پل‌های تاریخی روی این رودخانه، به بررسی بحران کنونی و دیدگاه متخصصان می‌پردازیم.

شاهد ترک‌های موزیرگی هستیم که اگر جری گرفته نشود می‌تواند به نشستهای خطرناک تبدیل شود. پله‌های ریخی فقط کالبد آجری نیستند؛ آنها محصول طبیعت و معماری‌اند که باید به هم‌دلی، سازگار و معروض فرسایش زودرس قرار می‌گیرد. به همین دلیل، مرم‌نگران امروز با وضعیت روبرو هستند که در دوره‌های پیشین سابقه نداشته است. این مسئله باعث می‌شود روش‌های سنتی صورت کافی نباشد و نیاز به مداخلات نوین باشد. به باور او، مرم‌ت کافی احیای آب تنها «ترمیم ظاهری» است. قاسمی می‌گوید: «حتی اگر میلیاردها تومان صرف بازسازی کنیم، تا وقتی بستر رودخانه زنده نباشد، پله‌ها دوباره آسیب خواهند دید. راحل، بازگرداندن آب به زاینده‌رود است، نه صرفاً سپاسیدن آبشار و بندگی».

❗ **خشکی زاینده‌رود؛ تهدیدی جدی برای میراث جهانی**

داتار قاسمی، کارشناس ارشد میراث جهانی تاریخی، در تحلیل وضعیت پل‌های اصفهان می‌گوید: «پل‌های تاریخی این شهر با فروزی دائمی چون آب ساخته شده‌اند. معماران صفوی به‌خصوص می‌انگستند حضور آب، نغته‌بخشی از زیبایی‌شناسی اثر است، بلکه تعادل بار سازه و تضمین می‌کند. امروز که ستر خشکید، این تعادل برهه خورده و نیروهای بر پایانه وارد می‌شود که سازندگان هرگز در محاسبات خود در نظر نگرفتند»

قاسمی معتقد است: «رطوبت دائمی زاینده‌رود، خاک زیر پی پل‌ها را پایدار نگه می‌داشت. حالا با خشکی ممتد خاک متراکم و سفت شده و همین تغییر ماهیت، فشار جانبی بیشتری بر سازه وارد می‌کند. در برخی نقاط حتی

میراث صفوی که بر جریان آب بند شد

سرویس وکیل با ۳۳ دقیقه، شامکاری از مهندسی هیدرولوژی صفوی، نمایا، پیوند هنر و طبیعت است. این پل نقطه راهی برای عبور، بلکه مکانی برای برگزاری جشن‌های آیینی، همچون جشن آبپاشان ارمانه مراسم مذهبی شیعیان، بود. پل خواجو، پل کراسه‌های نایفیس و غرفه‌های دوطبقه، محل تجمع هنرمندان و شاعران بود. ماران و جوی نیز هر یک نقشی کاربردی در اتصال محلات و آبیاری باغ‌های سلطنتی داشتند. آنچه این پل‌ها را متمایز می‌کرد، هم‌نشینی شاعران مهندسی با نقش فرهنگی اجتماعی‌شان بود؛ چیزی که بدون جریان زاینده‌رو، معنا خود را دست می‌دهد.



ا کورش دیباچ ا
ا روزنامه نگار ا

میراث صفوی که بر جریان آب بند شد

سرویس وکیل با ۳۳ دقیقه، شامکاری از مهندسی هیدرولوژی صفوی، نمایا، پیوند هنر و طبیعت است. این پل نقطه راهی برای عبور، بلکه مکانی برای برگزاری جشن‌های آیینی، همچون جشن آبپاشان ارامنه مراسم مذهبی شیعیان، بود. پل خواجو، پل کراسه کاه‌های نفیس و غرفه‌های دوطبقه، محل تجمع هنرمندان و شاعران بود. ماران و جویری نیز هر یک نقشی کاربردی در اتصال محلات و آبپاشی باغ‌های سلطنتی داشتند. آنچه این پل‌ها را متمایز می‌کرد، هم‌نشینی شاعران مهندسی با نقش فرهنگی اجتماعی‌شان بود؛ چیزی که بدون جریان زاینده‌رو، معنا خود را دست می‌دهد.

سازمان ثبت اسناد و املاک کشور

اداره کل ثبت اسناد و املاک استان کرمان
اداره ثبت اسناد و املاک حوزه ثبت ملک جیرفت

اصلی مفروض و مجزئ شده از پلاک - فرعی از ۱۹- اصل
قطعه ۱ واقع در اراضی ساغریجیرفت بخش ۴۵ کرمان
خریداری از مالک سرشناس دادی خواجه محرز گردیده
است لذا به منظور اطلاع عموم مراتب در دو نوبت به فاصله
۱۵ روز آگهی می شود در صورتی که اشخاص نسبت به
صدور سند مالکیت متقاضی اعتراضی داشته باشند می
توانند از تاریخ انتشار اولین آگهی به مدت دو ماه اعتراض
خود را به این اداره تسلیم و پس از اخذ رسید ظرف مدت
یک ماه از تاریخ تسلیم اعتراض، دادخواست خود را به
تاری ۱۵ فروردین ۱۳۹۷
مراجع قضایی تقدیم نمایند. بدیهی است در صورت انقضای
قانون تعیین
سند رسمی
سند مذکور و عدم وصول اعتراض طبق مقررات سند
مالکیت صادر خواهد شد.

۱۴۰۴/۷/۲۹	تاریخ انتشار نشریه اول : ۱۴۰۴/۷/۲۹
تئوری اراضی و تئوری حوزه تبتی خانم طبیبه	تاریخ انتشار نشریه دوم : ۱۴۰۴/۸/۰۴ اداره ثبت اسناد و املاک شهرستان جیرفت
دوره ۱ صحت ۷۱۲/۲۹	سازمان ثبت اسناد و املاک کشور اداره کل ثبت اسناد و املاک استان کرمان اداره ثبت اسناد و املاک جیرفت هبات موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت تبتی اراضی به استناد به دریاداری از به استناد به
روز روز آگهی می تکلیف متقاضی تعیین تکلیف وضعیت تبتی و اراضی و ساختمانهای	آگهی موضوع ماده ۳ قانون و ماده ۱۳ آیین نامه قانون تعیین تکلیف وضعیت تبتی و اراضی و ساختمانهای قافد سر رسمی

برابر رای شماره ۱۴۰۴۰۳۱۰۱۲۸۴۰ مورخ	۱۴۰۴/۰۶/۲۹	هیات اول موضوع قانون تعیین تکلیف
وضعیت ثبتی اراضی و ساختمان‌های فاقد سند رسمی		مستقر در واحد ثبتی حوزه ثبت ملک جیرفت تصرفات مالکانه بلامعارض متقاضی اقامه جان اله شاه آبادی

فرزند فضل اله بشماره ششاسنامه ۵۶۶ صادره از جیرفت در ششادگان یک قطعه باغ به مساحت ۲۶۰/۳ مترمربع علی‌الحدود ۲۶۷ فرعی از ۱۶۱-مغفوز و مغزی شده از پلاک - فرعی از ۱۹- اصلی قطعه ۱ واقع در اراضی ساغری جیرفت بخش ۱۳ کرمان خریداری شد مالک رسمی آقای ادب خواجه محرز گردیده است.لذا به منظور اطلاع عموم مراتب در دو نوبت به فاصله ۱۵ روز

تفتیشی اراضی و

آگاهی می شود در صورتی که اشخاص نسبت به صدور سند ملکیت متقاضی اعتراضی داشته باشند می توانند از تاریخ انتشار اولین آگهی به مدت دو ماه اعتراض خود را به این اداره تسلیم و پرداخت خسود، ظرف مدت یک ماه از تاریخ تسلیم اعتراض، از دادخواست، در مراجع قضایی تقدیم نمایند.بدیهی است در صورت اقصای مدت مذکور و عدم وصول اعتراض طبق مقررات سند ملکیت صادر خواهد شد.

۱۴۰۶/۰۶/۲۹

ضریع ثبتی

مقرر در واحد

تاریخ انتشار نوبت اول : ۱۴۰۴/۰۷/۱۹
تاریخ انتشار نوبت دوم : ۱۴۰۴/۰۸/۰۴
اداره ثبت اسناد و املاک شهرستان جیرفت
فرعی از ۱۹-

قرارات سند مالک صادر خواهد شد.	ثبتي اراضي و
تاريخ انتشار ثبت اول: ۱۴۰۴/۷/۲۹	معاملة قانون تعيين
تاريخ انتشار ثبت دوم: ۱۴۰۴/۸/۰۴	فائده سند رسمى
اداره ثبت اسناد و املاك شهرستان چيرفت	تاريخ ۱۴۰۴/۸/۲۹
سازمان ثبت اسناد و املاك كشور	ثبتي اراضي و
دارد كل ثبت اسناد و املاك استان كرمان	ثبتي حوزه ثبت
اداره ثبت اسناد و املاك حوزه ثبت ملك چيرفت	ضامن صخرى
هيات موضوع قانون تعيين تكليف وضعي	۳۸۱ صادره از
ساختمانهاى تاريخ سند رسمى	تاريخ ۴۷۶ مترمربع

شده از پلاک -
جیفرت بحث
خواه جعفر
دو توبه به فاصله
به صدور سند
د تاریخ انتشار
در اصل و در سند
تسلیم اعتراض
بدیده است در
اص طبق مقررات

منظور اطلاع عموم مراتب در دو توبت به فایده
شود در صورتی که اشخاص نسبت به صدور س
اعتراضی داشته باشند می توانند از تاریخ ات
مدت دو ماه اعتراض خود را به این اداره ت
رسید، ظرف مدت یک ماه از تاریخ تسلیم ا
خود را به مراجع قضایی تقدیم نمایند. بدیهه
قضای مدت مذکور و عدم وصول اعتراض
مالکیت صادر می‌گردد.

تاریخ انتشار نوبت اول : ۱۴۰۲/۶/۱۹	نامه قانون تعیین
تاریخ انتشار نوبت دوم : ۱۴۰۲/۸/۰۴	قانوندسترسبی
اداره ثبت اسناد و املاک شهرستان جیرفت	۱۴۰۲/۶/۳۱
ارزمن ثبت اسناد و املاک كشور	تبثی اراضی و
اداره كل ثبت اسناد و املاک استان كرمان	تبثی حوزه ثبت
اداره ثبت اسناد و املاک حوزه ثبت ملك	بی خانم فائزه
هیات موضوع قانون تعیین تکلیف وضعی	۳۰۲۰۳۹۳۳ صادره
استخدامن اراضی دسترسبی	۱۴ مترمربع جش
آگهی موضوع ماده ۳ قانون و ماده ۱۳	شده از پلاک ۲۶
تعیین تکلیف وضعت تبثی و اراضی و	تبثی جیرفت بخش
دسترسبی	بی محمد مفرش

برابر رای شماره ۱۴۰۴۶۳۱۹۰۱۴۰۱۲۸۲۵ هیات اول موضوع قانون تعیین تکلیف اراضی و ساختمان‌های فاقد سند رسمی ثبتی حوزه ثبت ملک چیرفت تصرفات متقاضی آقای جان اله شاه آبادی فرزند ششاسنامه ۵۲۶ صادره از چیرفت در شش خانه به مساحت ۷۶۱/۴ مترمربع

[illegible]

موافقت و مخالفت کارشناسان علوم انسانی در مورد ایجاد بازار آب

مدیریت آب ایران، ابزار ندارد

منتقدان و مخالفان تشکیل بازار آب: نهاد بازار در ایران برای آب چندان قابل اتکا نیست، مانند بازار نفت شکست خواهد خورد

موافقان: نهاد بازار مسیر خودش را خواهد رفت؛ فقط رگولاتور می‌خواهد، نه مجری گری دولت



ایپام| نشست مشترک کارشناسان علوم انسانی با سنگگوی صنعت آب کشور از سوی «مدرسه محیط‌زیستی زاگرس مهربان» برگزار شد. نشستی که به نقد و بررسی مدیریت کلان آب کشور پرداخت، اما بر ایجاد بازار آب تمرکز کرد. مخالفان ایجاد این بازار می‌گویند نهاد بازار با آنچه در تجارب خارج از کشور وجود دارد، قابل‌مقایسه نیست و کارایی آن را نخواهد داشت. همچنین، جامعه‌شناسان می‌گویند در این طرح‌ها جامعه در نظر گرفته نشده و به حاشیه رفته است. اما موافقان معتقدند مسیری جز بازاری کردن آب به‌نفع ایجاد «بهره‌وری» و «کاهش مصرف» وجود ندارد. نهاد بازار مسیر خودش را طی خواهد کرد و فقط رگولاتور می‌خواهد.

فقط مقدمه کار است و تولید ابزار مناسب برای تحقق آن اهداف است که مهم است. یکی از مباحثی که ما الان در مجلس شورای اسلامی و دولت دنبال می‌کنیم، همین است که باید حالا آنچه را که به‌عنوان برنامه و هدف در برنامه هفتم پیشرفت تکلیف شده است، باید با ابزارهای اجتماعی و اقتصادی اجرا کنیم. اگر این برنامه را در برش سالانه بودجه تبدیل به ابزارهای کارآمد نکنیم، مطمئن باشید به نتیجه نمی‌رسیم.»

📌 برنامه‌های آرزومحور

بزرگ‌زاده ادامه داد: «برنامه‌های آرزومحور و آرمانی بدون ابزار، کارا نخواهد بود. مشکل بعدی این است که کشور مدیر توسعه ندارد. سازمان برنامه‌بودجه به حدی درگیر بودجه است که خودش نخستین دستگاهی است که برنامه را نقض می‌کند. یعنی نخستین دستگاهی که برنامه را از اهداف سانسور می‌کند و آن را تخفیف می‌دهد، خود سازمان برنامه‌بودجه است؛ چون بخش‌های مختلفی که در برنامه قید شده، مانند تناقض فصل ۷ و ۸ در برنامه،

نشست «توسعه و اصلاحات نهادی در بخش آب» با حضور سنگگوی آب کشور و کارشناسان علوم انسانی، اقتصاد و فعالان محیط‌زیست برگزار شد.

مدرسه محیط‌زیستی کمپین مردمی حمایت از زاگرس مهربان، این برنامه را ذیل مجموعه گفت‌وگوهایی با عنوان «یک جرعه علوم‌انسانی»، با هدف تقویت ارتباط میان سیاست‌گذاری‌های زیست‌محیطی و دیدگاه‌های کارشناسان و پژوهشگران علوم انسانی، برگزار کرد.

«عیسی بزرگ‌زاده» سنگگوی صنعت آب کشور، در این نشست گفت: «در تمام سال‌های پس از انقلاب اسلامی، همه مدیران آبی در وزارت نیرو می‌دانستند کشور با اضافه‌برداشت در بخش آب مواجه است؛ اما اینکه چرا با وجود علم به این موضوع ما نتوانستیم مشکل را حل کنیم، دلایل دیگری غیر از دانستن دارد. ما چند انحراف یا اشکال در عمل داشتیم. یکی اینکه فکر کردیم با هدف‌گذاری و تولید پیام، اقدام کافی انجام داده‌ایم. در مراحل مختلف و بخش‌های مختلف هدف‌گذاری کردیم و آن هدف را حتی به مجلس بردیم و قانونش کردیم. درحالی‌که ابلاغ پیام،

هفتم، نمی‌تواند با هم پیش بروند. بودجه و اعتبار هم از دیدگاه سازمان برنامه‌بودجه باید به روش سنتی مانند درآمدهای نفتی تأمین شود. بنابراین، ناچار است در یک فرایند، این تناقضات را مد نظر قرار دهد و شخصیت سازمان را از مدیر توسعه به مدیر مالی تغییر دهد. مشکل دیگر این است که از دیدگاه من در این شرایط، سمن‌ها نگاه کلان به مقوله آب نداشتند و گاه فقط به مژپه‌سرابی بسنده کردند. یکی از راحل‌هایی که در این شرایط به آن رسیدیم، استفاده از نهاد بازار بود که برآمده از اقتصاد سبز و بیولوژیک است. بارها تأکید کردیم ما به‌جای مبادله آب در این بازار می‌خواهیم صرفه‌جویی آب را مبادله کنیم که بسیار با هم متفاوت‌اند. اما این صحبت‌ها به‌نجو عیبی شنیده نشد. حتی هیچ‌یک از سمن‌ها سراغ نقد و بررسی آن نیامدند. در این بازار در طرف عرضه، آب ارائه نمی‌شود بلکه پروژه‌های صرفه‌جویی آب ارائه می‌شود؛ تأمین مالی این پروژه‌های صرفه‌جویی از سوی کسانی خواهد بود که بیشتر از مرزهای بهره‌وری آب مصرف می‌کنند.»

در بخش دیگری از این برنامه «مسلم زمانی»،



در وزارت نیرو جلسه‌های متعددی در مورد سد «سیوند» داشتیم. تمام حرف سمن‌ها این بود که این سد نباید ساخته شود؛ با ادله علمی و کارشناسی هم این حرف را مطرح می‌کردند. سدی که درنهایت ساخته شد اما کمکی به بهبود شرایط آبی هم نکرد.» محمدی در بخش دیگری از صحبت‌هایش در مورد برنامه تشکیل بازار صرفه‌جویی آب گفت: «خلاف گفته شما، من این اطمینان را می‌دهم که بازار آب در ایران وجود دارد؛ به‌ویژه در مورد چاه‌های عمیق. عمده مشکل برداشت آب کشور هم در بخش چاه‌های عمیق است. این چاه‌ها «حقابه‌دار» دارند و آب آن خریدوفروش می‌شود. برای خرید این حقابه از مبالغ میلیاردی صحبت می‌کنیم. بنابراین، فکر می‌کنم دقیقاً آنچه آب و سرزمین ما را نابود کرده است، همین اقتصاد سرمایه‌داری است. اگر ما دولتی مقتدر داشتیم که می‌توانست قانون را اجرا کند و بر اقتصاد نظارت داشته باشد، هرگز به اینجا نمی‌رسیدیم.»

«مسعود امیرزاده»، از پژوهشگران محیط‌زیست، نیز به هم‌سو نبودن سیاست‌های مختلف در کشور و تناقض آنها انتقاد کرد و گفت: «از موضوع انتقال پایتخت به‌نفع آب گرفته تا سایر سیاست‌های انتقال آب، مانند انتقال آب سد طالقان به تهران، هر کدام مسیر مختلفی را می‌روند.»

📌 دانش بومی آب فراموش شد

«نوروز رجبی»، باستان‌شناس، نیز با اشاره به وضعیت تاریخی و دانش بومی کشور در مورد مدیریت آب گفت: «موضوع اصلی در مورد آب و اندوخته‌های کهن ما این است که مدیران کشور هنوز نتوانسته‌اند نسبت خود را با میراث تبیین کند. نمونه‌های آن هم وجود دارد. پروژه‌های توسعه‌ای، به‌ویژه سدها و کشت نیشکر، به‌عنوان ویران‌کننده میراث‌فرهنگی ایران شناخته می‌شوند. کشت نیشکر خوزستان در سال ۱۳۴۰ باعث ویرانی بناهای باستانی شد و سد سیمره وضعیت را بدتر کرد. سد چم‌شیر نیز به‌عنوان نمونه‌ای از اجرای پروژه‌ها با عجله، فشار و حداقل منابع لازم برای بررسی‌های باستان‌شناسی و کاوش‌های مورد نیاز، یک نمونه دیگر است. بودجه‌ای که برای بررسی‌های باستان‌شناسی این پروژه‌ها (مانند کاوش‌های نجات‌بخشی) در نظر گرفته می‌شود، بسیار ناچیز است؛ در حدی که پول خوراک دو روز همکاران هم نمی‌شود.»

او در بخش دیگری از صحبت‌هایش با اشاره به بررسی «مک‌کمپیک» باستان‌شناس، که در سال ۱۹۷۰ در مثلت حاصلخیز خوزستان (شوش، شوشتر، دزفول) انجام شد، توضیح داد: «تخمین زده شده جمعیت خوزستان در اواخر دوره ساسانی تقریباً با جمعیت کل کشور در آن زمان برابر بوده است (حدود ۱۳ تا ۱۴ میلیون نفر). این موضوع باید برای مدیران صنعت آب مسئله باشد و به آن نگاه کنند که مدیریت منابع آب در آن زمان چگونه بوده است.»

یکی از مهم‌ترین موضوعات مورد انتقاد قرارگرفته در این نشست به «نقشه راه آب» به عنوان یک سند بالادستی در بخش آب است. جامعه شناسان حاضر در این نشست معتقد بودند نقشه راه آب در جامعه بروز و نمودی ندارد و یک «حاشیه» یا «کلمه» است که هیچ‌گاه بسط داده نمی‌شود.

«عیسی بزرگ‌زاده» سنگگوی آب وزارت نیرو، «آرش رئیس»، «مسلم زمانی»، «مجید سیاری»، «سروش طالبی اسکندری»، «علی هداوند»، «صابر معصومی»، «عباس محمدی» و «یوسف فرهادی

بابادی» در این نشست شرکت داشتند و به تبادل‌نظر

درباره چالش‌ها و فرصت‌های موجود در حوزه آب

پرداختند. همچنین «میترا ابراهیمی» و «مسعود

امیرزاده»، پژوهشگران حوزه محیط‌زیست و «نوروز

رجبی»، باستان‌شناس، هم در این نشست حاضر

شدند و انتقادات خود را بیان کردند.



خبر ویژه

وزیر نیرو:

لایحه مدیریت

یکپارچه حوضه‌های

آبریز به مجلس می‌رود



لایحه مدیریت یکپارچه حوضه‌های آبریز در وزارت نیرو در حال تدوین است و قرار است به‌زودی به مجلس شورای اسلامی ارائه می‌شود.

وزیر نیرو با اعلام این خبر بر لزوم مدیریت یکپارچه منابع آب کشور و صرفه‌جویی در مصرف آب تأکید کرد و گفت: «اولویت نخست در مدیریت منابع آب، کاهش مصرف در همه بخش‌هاست. مدیریت منابع آب باید به‌صورت یکپارچه و برپایه حوضه‌های آبریز انجام شود؛ مدیریت استانی آب در شرایط فعلی کشور می‌تواند مشکل‌افزین باشد.»

«عباس علی‌آبادی»، با اشاره به ضرورت اصلاح ساختارهای قانونی حوزه آب توضیح داد: «لایحه قانونی مدیریت یکپارچه حوضه آبریز در حال نهایی شدن است و به‌زودی برای تصویب به مجلس شورای اسلامی ارائه خواهد شد تا زمینه اجرای یک سیاست هماهنگ و ملی در مدیریت منابع آبی فراهم شود. الگوی مصرف و صرفه‌جویی، راهکار اصلی عبور از شرایط کم‌آبی است.»

او با بیان اینکه کشور با کاهش قابل‌توجه بارش‌ها روبه‌رو است، گفت: «در سال آبی جاری هنوز بارش مؤثر جز در مناطق شمالی کشور نداشته‌ایم و این موضوع ضرورت برنامه‌ریزی دقیق‌تر برای مدیریت آب را دوچندان کرده است. مسائل آب و برق شهر جدید ایوانکی به‌صورت ویژه در قالب یک کارگروه تخصصی پیگیری می‌شود تا راهکارهای اجرایی و سریع برای رفع نیازهای زیرساختی این منطقه تدوین شود.»

پیشتر نیز در سال ۱۳۹۴ به‌منظور ابلاغیه دبیرخانه شورای عالی امنیت ملی با موضوع مقابله با آلودگی منابع آب شرب تهران و تکلیف محوله به وزارت راه‌وشهرسازی (با همکاری سازمان میراث‌فرهنگی، صنایع‌دستی و گردشگری) طی بند ۱۳ ابلاغیه مذکور مبنی بر تهیه طرح ساماندهی مناطق واقع در حوضه‌های آبریز با تأکید بر ساماندهی نقاط تفرجگاهی، تدوین راهکارهای اجرایی، ضوابط ویژه ساخت‌وساز و کنترل به تفکیک کاربری‌ها، و تصویب آن در شورای عالی شهرسازی و معماری و سپس ابلاغ به استانداری‌های تهران و البرز برای اجرا، بررسی طرح تهیه‌شده توسط معاونت شهرسازی و معماری ایران با عنوان «طرح ساماندهی فضایی - عملکردی حوضه‌های آبریز سدهای تأمین‌کننده آب شرب تهران (با رویکرد حفاظت از آب و گردشگری پایدار)» در دست‌وراک شورای‌عالی شهرسازی و معماری ایران قرار گرفت؛ طرحی که از آن زمان تاکنون پلانتکیف مانده است.اوب‌سایت خبری وزارت نیرو

آگهی تعیین حدود اختصاصی
نظر به اینکه تعیین حدود شش‌دانگ یک قطعه زمین مزروعی به شماره پلاک ۳۲۰ فرعی از ۴۰۰ اصلیه بمساحت ۲۵۴۹۴ مترمربع واقع در بخش سه پشه‌ر - برازجان اراضی روستایی اولایق‌فرز مورد درخواست آقای ابراهیم‌گلزاری که از طرف آقای غلامحسین گلزاری به ایشان واگذار گردیده است. نامبرده در امری موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت اراضی و ساختمان‌های فاقد سند رسمی تقاضای ثبت نموده است و حسب تقاضای نامبرده که در اجرای ماده ۱۳ آیین‌نامه قانون تعیین تکلیف اراضی و ساختمان‌های فاقد سند رسمی درخواست انتشار آگهی تعیین حدود نموده است در روز ۱۴۰۴/۰۸/۲۰ در محل شروع بعمل خواهد آمد اینک بوسیله این آگهی از متقاضی و کلیه صاحبان املاک مجاور طبق ماده ۱۴ قانون ثبت دعوت می‌شود که در وقت مقرر در محل حضور بهمیرسانند وخواهی مجاورین نسبت به حدود و حقوق ارتفاقی طبق ماده ۲۰ قانون ثبت از تاریخ تنظیم صورتجلسه تحدیدی تا ۳۰ روز پذیرفته خواهد شد ضمناً معترض مکلف است طبق تبصره ۲ ماده‌احده قانون تعیین تکلیف پرونده‌های معترضین ثبتی مصوب ۱۳۷۳/۰۲/۲۵ و ماده ۸۶ آیین‌نامه اجرایی طرف مدت یکماه از تاریخ تسلیم اعتراض به اداره ثبت دادخواست به مرجع قضایی محل تسلیم دارد.
تاریخ انتشار: ۱۴۰۴/۰۷/۱۹ حمیدرضا باقرپور رئیس اداره ثبت‌انسان و املاک شهرستان دشتستان م الف: ۷۹۶

نوبت دوم	آگهی مناقصه‌های عمومی	شهرداری اراک
شهرداری اراک در نظر دارد بر اساس بوجه مصوب سال جاری نسبت به انجام امور ذیل از طریق مناقصه عمومی اقدام نماید.	عنوان مناقصه ها و مبالغ تضمین ۱- تعمیرات ساختمان ترمینال مرکزی اراک با برآوردی بالغ بر ۱۲,۶۵۱,۱۳۸,۰۶۸ ریال و مبلغ تضمین ۶,۳۲۰,۰۰۰,۰۰۰ ریال (شماره مناقصه در سامانه ستاد: ۲۰۲۴۰۵۱۱۱۰۰۰۳۴) - خرید یک دستگاه ژنراتور ۱۰۰۰ مگاوات و چهار دستگاه ۲۵۰ مگاوات با برآوردی بالغ بر ۱۵,۰۰۰,۰۰۰,۰۰۰ ریال و مبلغ تضمین ۷,۵۰۰,۰۰۰,۰۰۰ ریال (شماره مناقصه در سامانه ستاد: ۲۰۲۴۰۵۱۱۱۰۰۰۳۵)	شهرداری اراک در نظر دارد بر اساس بوجه مصوب سال جاری نسبت به انجام امور ذیل از طریق مناقصه عمومی اقدام نماید.
	نحوه و زمان دریافت اسناد مناقصه آخرین مهلت بازگذاری مدارک و پیشنهاد قیمت ها	تاریخ انتشار نوبت اول: ۱۴۰۴/۰۷/۱۹ - تاریخ انتشار نوبت دوم: ۱۴۰۴/۰۸/۰۴
	آخرین مهلت بازگذاری مدارک و پیشنهاد قیمت ها میزان و نوع تضمین شرکت در مناقصه ها	تاریخ انتشار نوبت اول: ۱۴۰۴/۰۷/۱۹ - تاریخ انتشار نوبت دوم: ۱۴۰۴/۰۸/۰۴
	زمان گشایش پاکت ها و محل تشکیل کمیسیون مناقصه ها حداقل صلاحیت شرکت کننده	تاریخ انتشار نوبت اول: ۱۴۰۴/۰۷/۱۹ - تاریخ انتشار نوبت دوم: ۱۴۰۴/۰۸/۰۴
	به پیشنهادت مبهم، مشروط ، فاقد شرایط قانونی، فاقد ضمانت نامه یا فیش واریزی و یا به میزان کم تر از مبلغ تضمین و خارج از مهلت ترتیب اثر داده نمی شود. هزینه کارمزد سامانه ستاد به‌عده برنده مناقصه خواهد بود. سایر اطلاعات و جزئیات در اسناد مناقصه مندرج است . کلیه مراحل برگزاری مناقصه از دریافت اسناد تا ارائه پیشنهاد شرکت کنندگان در مناقصه و بازگشایی پاکت ها از طریق سامانه تدارکات الکترونیکی دولت (ستاد) به نشانی: www.setadiran.ir انجام خواهد شد و لازم است شرکت کنندگان در مناقصه در صورت عدم عضویت ، مراحل ثبت نام در سامانه مذکور و دریافت گواهی امضای الکترونیکی را جهت شرکت در مناقصه انجام دهند .	لذا متقاضیان می توانند جهت کسب اطلاعات بیشتر می توانند به امور قراردادهای شهرداری واقع در خیابان جهاد - فاز۲ شهرک شهید بهشتی شهرداری اراک مراجعه و یا با شماره تلفن ۰۸۶-۳۳۱۳۶۰۹۱-۳ تماس حاصل فرمایند. تاریخ انتشار نوبت اول: ۱۴۰۴/۰۷/۱۶ - تاریخ انتشار نوبت دوم: ۱۴۰۴/۰۷/۱۹

علیرضا محمودی –شهر دار اراک

نوبت اول	سازمان ثبت اسناد و املاک کشور
اداره کل ثبت اسناد و املاک استان اصفهان اداره ثبت اسناد و املاک اداره ثبت اسناد و املاک شمال اصفهان هیات موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی آگهی موضوع ماده ۳ قانون و ماده ۱۳ آئین نامه قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی و اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی برابر رای شماره ۲۰۲۴۰۶۰۱۴۶۶۰۱۴۵۵۶۰۳۱۰۰۰۶۰۱۴۰۴۶۰۳۰۲۰۲۴۰۴/۰۵/۱۴ هیات دوم متقاضی خانم فاطمه اصلانی کرجی به شناسنامه شماره ۷۷۸ کدملی ۲۱۹۵۳۴۴۴۱ صادره داران فرزند محمد نسبت به شش‌دانگ یک پاک خانه به مساحت ۲۰۸ متر مربع از پلاک شماره ۱۴۹۱۵/۲۰۴ واقع در بخش ۵ اداره ثبت اسناد و املاک شمال اصفهان مالک رسمی حسین عرب اصفهانی به موجب سند ۱۷۵۱۹ مورخ ۵۷/۰۲/۲۳ دفتر ۸۲ اصفهان بوده که مورد درخواست مع الواسطه به متقاضی واگذار و تعدادی از شهود آن را تایید نموده اند. لذا به منظور اطلاع عموم مراتب در دو نوبت به فاصله ۱۵ روز آگهی می شود در صورتی که اشخاص نسبت به صدور سند مالکیت متقاضی اعتراضی داشته باشند میتوانند از تاریخ انتشار اولین آگهی به مدت دو ماه اعتراض خود را به این اداره تسلیم و پس از اخذ رسید ظرف مدت یک ماه از تاریخ تسلیم اعتراض دلاخواست خود را به مراجع قضایی تقدیم نمایند. بدیهی است در صورت التقضای مدت مذکور و عدم وصول اعتراض طبق مقررات سند مالکیت صادر خواهد شد.	سازمان ثبت اسناد و املاک کشور اداره کل ثبت اسناد و املاک استان اصفهان اداره ثبت اسناد و املاک اداره ثبت اسناد و املاک شمال اصفهان هیات موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی آگهی موضوع ماده ۳ قانون و ماده ۱۳ آئین نامه قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی و اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی برابر رای شماره ۲۰۲۴۰۶۰۱۴۶۶۰۱۴۵۵۶۰۳۱۰۰۰۶۰۱۴۰۴۶۰۳۰۲۰۲۴۰۴/۰۵/۱۴ هیات دوم متقاضی خانم فاطمه اصلانی کرجی به شناسنامه شماره ۷۷۸ کدملی ۲۱۹۵۳۴۴۴۱ صادره داران فرزند محمد نسبت به شش‌دانگ یک پاک خانه به مساحت ۲۰۸ متر مربع از پلاک شماره ۱۴۹۱۵/۲۰۴ واقع در بخش ۵ اداره ثبت اسناد و املاک شمال اصفهان مالک رسمی حسین عرب اصفهانی به موجب سند ۱۷۵۱۹ مورخ ۵۷/۰۲/۲۳ دفتر ۸۲ اصفهان بوده که مورد درخواست مع الواسطه به متقاضی واگذار و تعدادی از شهود آن را تایید نموده اند. لذا به منظور اطلاع عموم مراتب در دو نوبت به فاصله ۱۵ روز آگهی می شود در صورتی که اشخاص نسبت به صدور سند مالکیت متقاضی اعتراضی داشته باشند میتوانند از تاریخ انتشار اولین آگهی به مدت دو ماه اعتراض خود را به این اداره تسلیم و پس از اخذ رسید ظرف مدت یک ماه از تاریخ تسلیم اعتراض دلاخواست خود را به مراجع قضایی تقدیم نمایند. بدیهی است در صورت التقضای مدت مذکور و عدم وصول اعتراض طبق مقررات سند مالکیت صادر خواهد شد.
	حسین زمانی علویجه – رئیس ثبت اسناد و املاک تاریخ انتشار نوبت اول: ۱۴۰۴/۰۷/۱۹ - تاریخ انتشار نوبت دوم: ۱۴۰۴/۰۸/۰۴ شناسه آگهی: ۲۰۱۹۹۰۷

نوبت اول	سازمان ثبت اسناد و املاک کشور
آگهی اختصاصی موضوع ماده ۳ و ماده ۱۳ آئین نامه قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی آگهی موضوع ماده ۳ و ماده ۱۳ آئین نامه قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی به شماره ۲۰۲۴۰۶۰۳۱۰۰۰۶۰۱۴۵۵۶۰۳۱۰۰۰۶۰۱۴۰۴۰۶/۰۴ هیات اول موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی مستقر در واحد ثبتی شهرستان نور تصرفات مالکانه و بلامعارض متقاضی آقای / خانم یوسف ذاکری دانا فرزند رحیم در قسمتی از شش‌دانگ یک قطعه زمین محصور (کاربری مسکونی رعایت فضای سبز عمومی در ضلع شمالی) به مساحت ۹۱/۹۷ به پلاک ۳۰۹۰ صرفاً جهت تجمیع با پلاک ۹۵۱ (فرعی فرعی از ا اصلی واقع در قریه امیرآباد بخش ۱۰ حوزه ثبت نور خریداری از آقای / خانم مرزبان جمشیدی میباشد. مورد تأیید و محرز گردیده است. لذا به منظور اطلاع عموم مراتب در دو نوبت به فاصله ۱۵ روز روزنامه سراسری و محلی آگهی می گردد در صورتی که اشخاص ذی نفع به آراء اعلام شده اعتراض داشته باشند باید از تاریخ انتشار آگهی تا دو ماه اعتراض خود را به اداره ثبت محل وقوع ملک تسلیم و رسید اخذ نمایند. معترض باید ظرف یک ماه از تاریخ تسلیم اعتراض مباردت به تقدیم دادخواست به دادگاه عمومی محل نماید و گواهی تقدیم دادخواست را به اداره ثبت محل تحویل دهد. بدیهی است در صورت التقضای مدت مذکور و عدم وصول اعتراض طبق مقررات سند مالکیت صادر خواهد شد.	تاریخ انتشار اول: ۱۴۰۴/۰۷/۱۹ - تاریخ انتشار دوم: ۱۴۰۴/۰۸/۰۳ علی سعادتی – رئیس ثبت اسناد و املاک شهرستان نور شناسه آگهی: ۲۰۱۹۵۵۴



— AFP —
[۱۶۲]

«آلاینده‌های دائمی» حتی در مناطق بکر جهان یافت شده‌اند

«PFAS»

در خون انسان، شیر مادر و آب آشامیدنی

در دهه‌های اخیر، یکی از نگرانی‌های اصلی در حوزه محیط‌زیست و بهداشت عمومی، افزایش استفاده و انتشار ترکیبات شیمیایی مصنوعی بوده است. یکی از گروه‌های بسیار مقاوم، گسترده و پایدار در محیط، ترکیبات آکلیل پر- و پلی‌فلوئوردار هستند که با نام اختصاری PFAS شناخته می‌شوند. این ترکیبات، به‌واسطه ساختار منحصر بفردشان، در برابر تجزیه شیمیایی، زیستی و حرارتی بسیار مقاوم‌اند و به همین دلیل، در ادبیات علمی با عنوان «آلاینده‌های دائمی» (Forever Chemicals) شناخته می‌شوند.
آزتاجاکه این مواد در گستره وسیعی از محصولات مصرفی و صنعتی، از جمله ظروف تفلون، فوم‌های آتش‌نشانی، پوشاک ضدآب، لوازم آرایشی، محصولات بهداشتی و حتی بسته‌بندی‌های مواد غذایی استفاده می‌شود، تماس انسان و محیط‌زیست با آنها تقریباً اجتناب‌ناپذیر شده است. این ترکیبات قابلیت تجمع زیستی و پخش جهانی دارند و حتی در مکان‌های دور از فعالیت صنعتی، مانند قطب جنوب نیز شناسایی شده‌اند.

شواهد روزافزون از حضور ترکیبات PFAS در خون انسان، شیر مادر، آب آشامیدنی و منابع طبیعی، همراه با نتایج مطالعات اپیدمیولوژیک و آزمایش‌های حیوانی، نگرانی‌هایی درباره اثرات این ترکیبات بر سلامت عمومی و یکپارچگی اکولوژیک ایجاد کرده‌اند.
با وجود ممنوعیت یا محدودسازی برخی انواع شناخته‌شده مانند PFOA و PFOS در بسیاری از کشورها، نسل‌های جدید PFAS هنوز به‌طور گسترده استفاده می‌شوند و در اغلب موارد داده‌های کافی برای ارزیابی ایمنی آنها در دست نیست.
PFAS مخفف Per- and Polyfluoroalkyl Substances است و به طیف گسترده‌ای از ترکیبات شیمیایی اشاره دارد که در ساختار خود حداقل یک گروه آکلیل فلئوئوردار (CF۲) دارند. ویژگی کلیدی این ترکیبات، وجود پیوندهای کربن-فلئور (C-F) است که از قوی‌ترین پیوندهای شیمیایی در شیمی آلی محسوب می‌شود؛ با انرژی پیوندی حدود ۴۸۵ kJ/mol. این پیوند باعث می‌شود PFAS در برابر حرارت، اسیدها، بازها، اکسایش، فوتولیز و تجزیه زیستی بسیار مقاوم باشد. به همین دلیل، آنها به‌سختی تجزیه

می‌شوند و در طبیعت برای سال‌ها یا حتی قرن‌ها باقی می‌مانند.
ترکیبات PFAS به‌طور کلی به دو دسته اصلی تقسیم می‌شود. دسته نخست مواد پرفلوئوردار (Perfluoroalkyl Substances) است؛ در این ترکیبات، تمامی اتم‌های هیدروژن زنجیره کربنی با فلئور جایگزین شده‌اند (مثلاً PFOA و PFOS) این گروه معمولاً پایدarter و سمی‌تر هستند. دسته دوم مواد پلی‌فلوئوردار (Polyfluoroalkyl Substances) است. در این ترکیبات فقط بخشی از زنجیره فلئوئوردار شده و بقیه اتم‌های هیدروژن باقی مانده‌اند. این گروه اغلب به‌عنوان پیش‌ماده‌های PFAS پایدار عمل می‌کنند و می‌توانند در محیط به ترکیبات پرفلوئوردار تبدیل شوند.

کاربردهای گسترده PFAS
دلیل گسترش استفاده از PFAS، ویژگی‌های فیزیکی و شیمیایی ممتاز آنهاست. مقاومت در برابر چربی و آب: ترکیبات PFAS با ایجاد سطحی بسیار آب‌گریز و چربی‌گریز، در تولید پارچه‌های

ویژگی‌های پایداری و چرخه محیط‌زیستی ترکیبات PFAS

ترکیبات PFAS به‌دلیل ساختار مولکولی منحصربه‌فرد خود، از پایدarterین مواد شیمیایی شناخته‌شده در محیط‌زیست هستند. پیوند کربن-فلئور (C-F) با انرژی پیوندی بسیار بالا (~۴۸۵ kJ/mol) باعث می‌شود PFAS در برابر اکثر عوامل فیزیکی، شیمیایی و بیولوژیکی تخریب‌ناپذیر باشد. این مقاومت بی‌نظیر منجر به تجمع آنها در محیط، منابع آبی، خاک، موجودات زنده و حتی بدن انسان شده است.

راه‌های ورود PFAS به محیط‌زیست
PFAS از طریق منابع مختلفی وارد محیط می‌شود. یکی از مهم‌ترین منابع اولیه ورود این ترکیبات به محیط‌زیست، تخلیه پساب صنایع نساجی، بسته‌بندی، پوشاک ضدآب و کارخانه‌های تولید مواد شیمیایی است. همچنین، استفاده از فوم‌های آتش‌نشانی در فرودگاه‌ها، پایگاه‌های نظامی و پالایشگاه‌ها استفاده گسترده دارد. در تصفیه‌خانه‌های فاضلاب شهری PFAS به‌صورت ناکامل حذف و همراه لجن (sludge) یا آب تصفیه‌شده به زمین‌های کشاورزی یا رودخانه‌ها منتقل می‌شود.

ترکیبات PFAS به‌ویژه انواع زنجیره کوتاه آن (مثل PFBS) به‌دلیل حلالیت بالا در آب، به‌راحتی در لایه‌های آب زیرزمینی نفوذ می‌کند و حتی کیلومترها دورتر از منبع آلودگی پخش می‌شود. در خاک و رسوبات نیز به ذرات آلی و معدنی خاک جذب می‌شوند، به‌ویژه انواع زنجیره بلند آن.
بالین‌حال، به‌دلیل تحرک نسبی بالای برخی PFAS‌ها، خاک نیز نمی‌تواند آنها را به‌طور دائم در خود نگه دارد. در هوا و گردوغبار گونه‌های فرارتر (مثل FTOH‌ها) می‌توانند وارد اتمسفر شوند، با ذرات معلق ترکیب شوند و از طریق باران و ته‌نشینی خشک در مناطق دورافتاده رسوب کنند.

حضور جهانی و تأثیر بر سلامتی و محیط‌زیست
وجود PFAS در محیط‌های بکر مانند قطب جنوب، کوه‌های آلپ و دریا‌های دورافتاده، نشان‌دهنده قدرت انتقال جهانی این ترکیبات است. شواهد زیادی در نمونه‌های گرفته‌شده از یخ‌نئون‌ها، خرس‌های قطبی، آب دریا و هوا در مناطق قطبی وجود دارد. مطالعات زیاد نشان داده‌اند PFAS بعد از ورود به زنجیره غذایی در بافت‌های چربی، کبد و خون حیوانات، ماهی‌ها، پرندگان و انسان‌ها تجمع پیدا می‌کند و از طریق زنجیره غذایی منتقل می‌شود. این ویژگی به آنها خاصیت تجمع زیستی و زیست‌تکثیری می‌دهد. این مواد با تأثیر تأثیر بر موجودات آبی و خشکی موجب تغییر در تولیدمثل ماهیان و کاهش تنوع‌زیستی در محیط‌های آلوده می‌شود.

مقررات و اقدامات بین‌المللی
مقررات بین‌المللی به‌دنبال حذف یا محدودسازی استفاده از این ترکیبات آلاینده است. کنوانسیون استکهلم کنوانسیون جهانی به‌دنبال حذف یا محدودسازی آلاینده‌های آلی پایدار (POPs) است. PFOS (یکی از اعضای خانواده PFAS) در سال ۲۰۰۹ به فهرست مواد ممنوعه اضافه شد. در سال‌های بعد، PFOA و برخی مشتقات دیگر نیز مشمول این ممنوعیت شدند. بسیاری از کشورها موظف شدند کاربرد صنعتی این مواد را تا حد امکان حذف یا جایگزین کنند.
همچنین، PFAS در اتحادیه اروپا تحت نظارت شدید قانون REACH (ثبت، ارزیابی، مجوزدهی و محدودسازی مواد شیمیایی) است. در سال ۲۰۲۳ اتحادیه اروپا پیشنهادی برای ممنوعیت تقریباً کامل بیش از ۱۰ هزار نوع PFAS داد. این ممنوعیت، یک دوره گذار ۵ تا ۱۳ ساله برای صنایع مختلف در نظر گرفته است.
علاوه‌براین، آژانس حفاظت محیط‌زیست آمریکا

(EPA) نیز نقشه راه PFAS برای سال‌های ۲۰۲۱ تا ۲۰۲۴ را تدوین کرد که هدف آن کنترل استفاده، رصد محیطی و حذف PFAS است. این نهاد در سال ۲۰۲۳ استانداردهای جدیدی برای مقدار مجاز PFAS در آب آشامیدنی (حدود چهار نانوگرم در لیتر برای PFOS و PFOA) تعیین کرد. سازمان بهداشت جهانی هنوز حد مجاز رسمی برای PFAS در آب اعلام نکرده، اما در سال ۲۰۲۲ پیش‌نویس ارزیابی‌هایی برای تأثیرات PFAS بر سلامت منتشر کرد.

اعمال ممنوعیت برای به‌کارگیری این ترکیبات نیز چالش‌هایی دارد. از جمله اینکه وجود بیش از ۹ هزار ترکیب PFAS باعث دشواری در مقررات‌گذاری فراگیر می‌شود. از سوی دیگر، برخی کشورها به‌دلیل وابستگی صنعتی و کمبود فناوری جایگزین، در برابر ممنوعیت کامل مقاومت می‌کنند.

روش‌های حذف و کاهش PFAS
حذف و کاهش PFAS از آب، خاک و زنجیره غذایی به روش‌های مختلفی انجام می‌شود. ابتدا به روش‌های تصفیه آب می‌پردازیم که شامل این موارد است:
۱. جذب سطحی با کربن فعال: این روش برای زنجیره‌های بلند مانند PFOA و PFOS که هزینه‌بر و نیازمند تعویض دوره‌ای فیلترهاست، مؤثر است.
۲. رزین‌های تبادل یونی: این روش مخصوص جذب یون‌های PFAS در آب آشامیدنی است که قدرت جذب بالا دارد، اما بازده این روش در حضور ترکیبات آلی دیگر کاهش می‌یابد.
۳. اسمز معکوس: این روش در حذف PFAS بسیار مؤثر اما پرهزینه است و آب زائد زیادی تولید می‌کند. به فشار بالا هم نیاز دارد.
۴. اکسیداسیون پیشرفته (AOPs): شامل فرایند اکسیداسیون پیشرفته با پرتو فرابنفش و پراکسید هیدروژن است که می‌تواند PFAS را بشکند و به ترکیبات غیرسمی تبدیل کند؛ اما هنوز در مراحل پژوهشی و گران‌قیمت است.

روش‌های حذف از خاک و زنجیره غذایی نیز به این ترتیب است:
۱. تثبیت خاک: PFAS به ساختار خاک متصل و جابه‌جایی آن محدود می‌شود.
۲. استخراج حرارتی: خاک به دمای بالا (۳۰۰-۱۰۰۰ درجه) رسانده می‌شود تا PFAS بخار و جدا شود، اما این روش پرهزینه است و مصرف انرژی بالایی دارد.
۳. روش‌های زیستی: استفاده از میکروارگانیسم‌ها (باکتری‌ها، قارچ‌ها و گاهی جلبک‌ها) برای تجزیه، تثبیت یا حذف آلاینده‌ها از خاک، آب یا هوا. اما چون ترکیبات PFAS دارای پیوندهای کربن-فلئور (C-F) بسیار قوی و پایدار هستند، تجزیه آنها با روش‌های زیستی معمول بسیار چالش‌برانگیز است.
بالین‌حال، تحقیقات جدید نشان داده‌اند برخی میکروارگانیسم‌های خاص و حتی آنزیم‌های مهندسی‌شده توانایی جزئی یا کامل در تجزیه PFAS دارند.

آینده PFAS، راهکارها و سیاستگذاری‌ها
پیشرفت در زمینه PFAS مستلزم انجام تحقیقات گسترده برای توسعه مواد جایگزین ایمن و بدون اثرات زیان‌بار است؛ به‌ویژه در کاربردهایی مانند بسته‌بندی مواد غذایی، کف‌های آتش‌نشانی و منسوجات. همچنین، طراحی و بهینه‌سازی روش‌های پیشرفته تخریب کامل PFAS مانند فناوری‌های حرارتی، الکتروشیمیایی و پلاسمایی، از جمله اقدامات ضروری به‌شمار می‌رود. در کنار این موارد، توسعه ابزارهای دقیق، سریع و به‌صرفه برای پایش این ترکیبات در محیط –مانند حسگرهای زیستی و کیت‌های آزمایش میدانی– می‌تواند نقشی کلیدی در مدیریت آلودگی ناشی از PFAS ایفا کند.
درنهایت باید گفت PFAS‌ها اگرچه در پیشرفت صنعتی نقش داشته‌اند، اما اثرات بلندمدت آنها بر سلامت انسان و محیط‌زیست غیرقابل‌انکار است. برای مدیریت مؤثر این مواد، نیاز به سیاستگذاری جهانی، تحقیق بیشتر و توسعه فناوری‌های پاک داریم.



| زهرا آذرشب |
| کارشناس محیط‌زیست |



PFAS‌ها اگرچه در پیشرفت صنعتی نقش داشته‌اند اما اثرات بلندمدت آنها بر سلامت انسان و محیط‌زیست غیرقابل‌انکار است
برای مدیریت مؤثر این مواد نیاز به سیاستگذاری جهانی تحقیق بیشتر و توسعه فناوری‌های پاک داریم

نوبت اول

آگهی فراخوان شناسایی سرمایه‌گذاران متقاضی

مشارکت در ایجاد و بازسازی تأسیسات فاضلاب زایل در ازای استفاده از پساب تولیدی

شرکت آب‌فاضلاب استان سیستان و بلوچستان در نظر دارد براساس قوانین و مقررات مربوطه از جمله دستورالعمل اجرایی ماده ۲۰ قانون الحاق ۲ و مفاد قانون تشکیل شرکت‌های آب‌فاضلاب مصوب سال ۱۳۶۹ و اساسنامه شرکت‌ها ایجاد و بازسازی تأسیسات فاضلاب زایل در استان سیستان و بلوچستان را در ازای استفاده از پساب تصفیه شده تأسیسات مذکور به‌منظور کاربری معین و با حجم مشخص برای دوره زمانی محدود و معین به روش بیع متقابل با شرایط کلی ذیل از طریق مناقصه عمومی به متقاضی واجد شرایط واگذار نماید.

الف - شرح مختصری از پروژه

➤ **موضوع پروژه:** ایجاد و بازسازی تأسیسات فاضلاب شهر زایل به روش بیع متقابل

➤ **حجم پساب تولیدی** در افاق سال ۱۴۲۵ برابر ۱۲ میلیون مترمکعب

➤ **سرمایه‌پذیر:** شرکت آب‌فاضلاب سیستان و بلوچستان

➤ **دوره احداث:** ۳ سال

➤ **مدت دوره واگذاری پساب و بهره‌برداری تجاری:** بر مبنای مدل مالی مصوب

➤ **محل اجرا:** استان سیستان و بلوچستان - شهر زایل

➤ **محل تصفیه‌خانه فاضلاب زایل:** واقع در استان سیستان و بلوچستان شهر زایل موقعیت و شرایط آن در استاد درج شده است.

➤ **کاربری پساب:** صنعت / خدمات کشاورزی صنعتی

➤ **ب -** تعهدات اصلی سرمایه‌گذار

تکمیل و توسعه تأسیسات فاضلاب زایل

جزئیات شرایط و مشخصات تعهدات سرمایه‌گذار در اسناد مناقصه درج شده است.

شرایط کلی سرمایه‌گذار

کلیه اشخاص حقیقی و یا حقوقی که مطابق قانون اجازه مشارکت در قراردادهای سرمایه‌گذاری را دارند و امکان تأمین مالی، مدیریت، دانش و تجربه قابل قبول در زمینه کارهای موضوع مناقصه را دارا بوده و حائز شرایط ذکر شده در اسناد ارزیابی کیفی گردند.

سرمایه‌گذاران واجد شرایط می‌توانند از تاریخ **۱۴۰۴/۰۷/۱۹** تا پایان وقت اداری مورخ **۱۴۰۴/۰۷/۲۷** اظهار نامه اعلام آمادگی و امکان تأمین منابع مالی خود دال بر احراز توان سرمایه‌گذاری را به دفتر قراردادهای شرکت آب و فاضلاب تحویل نمایند.

پادآوری می‌شود سایر اطلاعات و اسناد لازم برای پیشبرد فرآیندهای قانونی موضوع فراخوان و تشریح شرایط کار پس از شناسایی سرمایه‌گذاران واجد شرایط به اطلاع خواهد رسید.

نشانی سرمایه‌پذیر: زاهدان، بلوار قلنبر، شرکت آب و فاضلاب استان

تلفن: ۰۵۴۳۳۴۱۴۱۰۰- **فاکس:** ۰۵۴۳۳۴۴۵۲۱۰

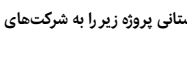
تاریخ انتشار نوبت اول: ۱۴۰۴/۰۷/۱۹ - تاریخ انتشار نوبت دوم: ۱۴۰۴/۰۷/۲۰

دفتر قراردادهـا- شرکت آب‌وفاضلاب استان سیستان و بلوچستان

نوبت دوم

آگهی تجدید مناقصه عمومی

(۱۴۰۴/۵۰۰۴)



شرکت آب و فاضلاب استان خوزستان

شرکت آب و فاضلاب خوزستان در نظر دارد به استناد ماده ۱۲ آیین نامه معاملات شرکت‌های سپاهی آب و فاضلاب شهری و استانی پروژه زیر را به شرکت‌های واجد شرایط با اطلاعات عمومی مشروحه ذیل از طریق مناقصه عمومی واگذار نماید :

کلیه مراحل برگزاری مناقصه از دریافت اسناد مناقصه تا ارائه پیشنهاد قیمت مناقصه گران و گشایش پاکت ها از طریق درگاه سامانه تدارکات الکترونیکی دولت (ستاد) به آدرس www.setadiran.ir انجام خواهد شد. و لازم است مناقصه گران در صورت عدم عضویت قبلی ، مراحل ثبت نام در سایت مذکور و دریافت گواهی امضای الکترونیکی را جهت شرکت در مناقصه محقق سازند.

اطلاعات تماس سامانه ستاد جهت انجام مراحل عضویت در سامانه : مرکز تماس ۱۴۵۶

شماره مناقصه	شماره فراخوان در سامانه تدارکات الکترونیکی دولت	عنوان مناقصه	مبلغ تقصین شرکت در مناقصه (پاک)	برآورد تقریبی (ریال)	مهلت فروش گشایش پاکت	تاریخ و ساعت گشایش پاکت
۱۴۰۴/۵۰۰۴	۲۰۴۰۰۵۷۴۴۰۰۰۱۴۴	وصول مطالبات آبفا منطقه بیهقان	۱,۰۴۹,۸۲۰,۰۰۰	۲۰,۹۹۶,۳۹۴,۵۸۱	تا مورخ ۱۴۰۴/۰۷/۲۲ ساعت ۱۰	۱۴۰۴/۰۸/۰۶ ساعت ۱۰:۰۰

- اسناد مناقصه ازطریق سامانه ستاد قابل دریافت می‌باشد. وپراساس زمانبندی قید شده درسامانه ستاد، پس از تکمیل توسط مناقصه‌گران تحت بستر سامانه ستاد تحویل خواهد شد.
- تحویل اسناد تحت بستر سامانه ستاد تابع قوانین و مقررات مربوطه اعلام شده در این سامانه می‌باشد.
- آخرین مهلت تحویل اسناد مناقصه تا ساعت ۹ روز گشایش پاکت ها می‌باشد.
- محل تحویل پاکت (الف) اسناد مناقصه: علاوه بر ارائه تقصین شرکت در فرآیند ارجاع کار در بستر سامانه ستاد، مناقصه‌گر می‌بایست اصل تقصین را در یک پاکت مناسب با عنوان پاکت "الف" قرار داده و لاک و مهر نماید. روی " پاکت الف" - عنوان و موضوع مناقصه، نام و مشخصات مناقصه‌گران، ذکر گردد و طبق برنامه زمانی اعلام شده به شرکت آب و فاضلاب خوزستان به آدرس هتواز-کاتپارس- فلکه اول -شرکت آب و فاضلاب خوزستان- طبقه پنجم دبیرخانه حرارت و امور محرانه - تحویل دهد.
- گشایش پاکت ها از طریق سامانه تدارکات الکترونیکی دولت در دفتر مدیریت قراردادها این شرکت می‌بایدحضورپیشنهادهندگان در جلسه گشایش، بلاعامع است .
- آدرس پاکگاه ملی اطلاع رسانی مناقصات کشور <http://iet.s.mporg.ir> و سایت اینترنتی شرکت www.abfakz.ir می‌باشد .
- هزینه درج آگهی بر عهده برنده مناقصه می‌باشد .
- داشتن گواهینامه تعیین صلاحیت ادرا کار و رفاه اجتماعی که در راستای اجرای مصوبه شماره ۳۸۳۴۶/۳۸/۲۷۵۰۶ مورخ ۸۱/۰۹/۰۵ صادر گردیده باشد.
- پیشنهاد دهنده مکلف است معادل مبلغ سبرده تقصین‌های معتبر تسلیم یا مبلغ مذکور را به حساب شرکت واریز و یا چک بانکی تقصین در وجه شرکت تهیه و حسب مورد ضمانتنامه یا رسید واریز وجه یا چک تقصین شده بانکی را تسلیم نماید . ضمنا مطالبات قطعی نباید و بلوکه شده اشخاص حقیقی یا حقوقی نزد شرکت می تواند بعنوان تقصین شرکت در مناقصه مورد قبول واقع گردد .
- به پیشنهادهای فاقد سبرده یا سبرده های کمتر از میزان مقر، چک شخصی و نظایر آن ترتیب اثر داده نخواهد شد.

تاریخ انتشار نوبت اول: ۱۴۰۴/۰۷/۱۶ - تاریخ انتشار نوبت دوم: ۱۴۰۴/۰۷/۱۹

روابط عمومی و آموزش همگانی - شرکت آب و فاضلاب استان خوزستان

نغمه‌سرایی در عصر تاریکی

هفت‌ساعته «تانگوی شیطان» (۱۹۹۴)، «هارمونی‌های ورکمایستر» (۲۰۰۰)، برگرفته از «مالیخولیای مقاومت» و به‌ویژه «اسب تورین» (۲۰۱۱)، که یکی از برجسته‌ترین و تحسین‌شده‌ترین آثار تار محسوب می‌شود.

الهام گرفتن از شرق

این نویسنده نه تنها از سنت ادبی اروپا مرکزی الهام گرفته، بلکه با سفرهای متعددش به شرق آسیا، به ویژه چین و مغولستان، نگاهی تأمل‌برانگیز و متفاوت به جهان ارائه می‌دهد.

در سال ۱۳۸۷، از مجارستان کمونیستی خارج شد و برای نخستین بار بخشی جدایی‌ناپذیر از زندگی و کار خود می‌داند. او در سال ۱۳۸۷، از مجارستان کمونیستی خارج شد و برای نخستین بار بخشی جدایی‌ناپذیر از زندگی و کار خود می‌داند. او در سال ۱۳۸۷، از مجارستان کمونیستی خارج شد و برای نخستین بار بخشی جدایی‌ناپذیر از زندگی و کار خود می‌داند.

در مصاحبه‌های مختلف، کراسناهورکایی از «تلخی» به‌عنوان مهم‌ترین منبع الهام خود یاد می‌کند. او می‌گوید وقتی به وضعیت جهان فکر می‌کند، احساس غم عمیقی می‌کند و همین حس است که در نوشته‌هایش جریان دارد.

چهره‌ای انتقادی در برابر سیاست‌های دولت مجارستان

چهره‌ای انتقادی در برابر سیاست‌های دولت مجارستان

منتقدان و نویسندگان برجسته ادبی، اسلاو کراسناوهرسکی را به عنوان یکی از منحصر به فردترین و بلندپروازترین نویسندگان معاصر معرفی کرده‌اند. «کولم توپین»، نویسنده ایرلندی، او را «ببیندایی» ادبی به نظر می‌دهد که فضای گسترده‌ای در زمان معاصر باز کرده» توصیف می‌کند. «هاری کونوزرو»، نویسنده بریتانیایی، معتقد است که «کراسناوهرسکی نخبه چهارم جدی و سختگیر از فرهنگ اروپایی است، بلکه نویسنده بازگوش و طنزپرداز است که خواننده را همزمان با عمق اندیشه‌ها و شادی کلمات غرق می‌کند.

کراسناهور کای‌ی درعین حال چهره‌ای انتقادی در برابر سیاست‌های دولت مجارستان، به‌ویژه در دوره «ویکتور اوربان» بوده است. او به‌شدت با مواضع اوربان درباره جنگ اوکراین مخالف است و دولت را «یک مورد روان‌پزشکی» توصیف کرده.

جایزه نوبل ادبیات، که از سال ۱۹۰۱ تاکنون به نویسندگان برجسته جهان اعطا می‌شود، امسال نیز با انتخاب کراسناهورکایی نشان داد ادبیات همچنان می‌تواند در میان آشوب‌ها و بحران‌ها، صدایی قدرتمند برای انسانیت و امید باشد.

«ایادیهام ما اکامی سوئه جازیه ژوئه ادبیات سال ۲۰۲۵ را به «اسلو کرانسه‌اوسا» تقدیم می‌کنیم». نویسنده برجسته مجارستانی، اداگر ادبی، هنرپیشه و بازیگر، آتاری رقفرت و ژوزف رادوویانه که در میان اثرهای «ویراس‌ایس» و «آزادی خزانماتی» بازیگر قدرت هنر را اثبات می‌کند، به او تعلق گرفت. در سال ۱۹۶۵ در شهر کوپک «دیو» که مجارستان متولد و با نام اصلی «ویراس‌ایس» شناخته می‌شود، به یکی از برجسته‌ترین چهره‌های ادبیات معاصر اروپا تبدیل شد. ویراس‌ایس با عمیقاً دارای حملات «سیسار پلاند» و پیچیده هستند، بطوریکه هر فصل از کتاب «تنگووی» به یک پاراگراف، تنه‌ای از یک داستان، روایتی که خواننده را به سفری در دنیای «ویراس‌ایس» می‌برد، توصیف کرده که فراتر از شکاف تا نماس است. اکادمی سوئه، کرانسه‌اوسا را «فونسندها» حامی در «ویراس‌ایس» و سبک کارش سرشار از عشق و پیچی و آشنایی با فرهنگ‌ها و سبک‌های مختلف است.

[← پیوند ادبیات با سینما](#)

در میان آثار او، چند اثر جایگاه ویژه‌ای در ادبیات دارند. رمان «تاتنگوی شیطان» که در سال ۱۹۸۵ منتشر شد، نقطه‌عطفی در سیرت ادبیاتی است که در دهه ۱۳۴۰ در ایران شکل گرفته است. این کتاب داستان یک جامعه روستایی در حال فروپاشی را روایت می‌کند که در دوره پیش از سقوط کمونیسم در مجارستان اتفاق می‌افتد. داستان با زبان بسیار پدیدیده و در عین حال قدرتمند خود، نوگستری نظر منتقدان را جلب و جایزه‌های متعددی را نصیب نویسنده کند.

دیگر اثر برجسته او، «مالیخولیای مقاومت» نیز با استقبال گسترده منتقدان مواجه شده و جوایز ادبی متعددی را کسب کرده است. این آلمان نیز با به کارگیری صحنه‌های رؤیایی و شخصیت‌های گاه غریب، درامی از مبارزه بی‌رحمانه میان نظم و هرج و مرج را به تصویر می‌کشد.

پن یونسئده و فیلمنامه‌ئوس ۱۲ساله در طول سال‌ها، بر مانی‌ها و مضامین تاریک و هراس‌آور نوشته است که چواین متعددی دریافت کرده‌اند. سواروئیکواری در سال ۲۰۱۵ جایزه «بوکر بین‌المللی» را برای یکی از آثارش دریافت کرد و موفق به کسب جایزه بین‌المللی کتاب‌چرمه در آمریکا نیز شده است. نوشته‌های این یونسئده متجرب و درخشان و با سبک روان و جذاب است. چندی اثر او که برای مضامین جنز آلود و جملات پیچیده هستند، در فیلمهای لندن سینمایی اقتباس شده‌اند. «نگوئی شیطان» (۱۹۸۵) و «آل‌خوئی‌های مقاومت» (۱۹۸۹) هر دو توسط «بار» (فیلمساز مجاری، کارگردار شده‌اند. سواروئیکواری همچنین چندین فیلم سینمایی و فیلم‌های تارنوشته: از جمله «نفرین» (۱۹۸۸)، فیلم

احمیدرضا محمدی- روزنامه‌نگار! اگر تکیه دولت عهد ناصری را آغازین گام برای نمایش در پایتخت بدانیم و بنامیم اما تئاتر به معنای مدرن و فرهنگی آن، در این عصر معاصر، مدیون و مرهون تماشاخانه «سنجلی» (۲۵ شهریور قدیم) است که دیروز به ۶۰ سالگی رسید. با معماری «آرشاپور باایلیان» و طراحی سردر «سیما کویان» و نظارت هنری «عباس جعفرمهر» در زمین هزار و ۲۳۶ مترمربعی و گنجایش تماشاگر، در مجاورت شهر ساخته شد تا مأمون و ملجا نمایش‌هایی با متون ایرانی باشد. بنابرین روی‌آوردی که می‌بازاید کرد، جواهره نمایش‌های ایرانی بود و این‌جایی که به روی صحنه رفت، نوشته پرویز کسری (کارگردانی «علی نصیریان» و باز وی خودش، «عزت‌الله انتظامی» و «فرزانه تأییدی» و «جعفر الی‌ا» و «فخری خورشید» و «مهمین شهابی» در ۱۸ مهر ۱۳۴۴ (مهمین کسری) بود.

و مترجم بود که با این موضوع اشاره کرد که ایران در حال از دست رفتن برای کسانی است که از اینجا مهاجرت می‌کنند و با این نکته روبه‌رو می‌شوند که واقعاً چرا باید ایران را دوست داشت؟

او گفت: «ما ایران را دوست داریم، چون وطن ماست. با این‌همه، بسیاری از مردم این مسئله برایشان مطرح است که ایران چه دارد که باید دوستش داشت؟ اگر از ایران برویم، آیا گناه کرده‌ایم؟ همه ما عاشق ایران هستیم، اما باید قاضی را وسیع‌تر از عشق به ایران بدانیم.» دولت‌آبادی ادامه داد در این سرزمین، پرسش از وطن و مهاجرت همواره دغدغه ذهنی ایرانیان بوده است: «اولین مهاجر ما سیاحی است و بخش قابل‌توجهی از شاهنامه به داستان او و زندگی کیخسرو اختصاص یافته است. حتی حافظ و سعدی نیز دغدغه رفتن و غریزه او شرایط سخت را داشته‌اند؛ این نشان می‌دهد که ایرانیان، همواره با شناخت، تعهد و دغدغه فرهنگی و اخلاقی پیوند خورده است.»

از دیدگاه دولت‌آبادی، امروز مسئله ایران از مرز احساسات شخصی فراتر رفته: «ما که اینجای جغوجی شده‌ایم، همه علاقه‌مند به ایران‌ایم، اما باید گفت جغوجی عمومی ایران‌دینم تا مردم حرف‌هایشان را بیان کنند و به راهکاری برسیم که کشور از وضعیت بی‌سامان کنونی نجات یابد. علاقه حقیقی به ایران نه تنها عشق است، بلکه مسئولیتی جمعی برای شناخت، پاسداری و عمل به‌نفع سرزمین‌مان است.» در بخش دیگری از برنامه کاوه تبار، پژوهشگر و تاریخ‌نگار، نیز به ذکر خاطراتی از دربار نحوه انتشار مجله آمده که ایران افشار در آن حضور جدی داشت، پرداخت. مجله آینده مجله‌ای ملی، سیاسی، اجتماعی، ادبی و تاریخی بود که توسط «مجموعه افشار یزدی» در سال ۱۳۴۰ شمسی بنیان گذاشته شد و از ۱۹۵۱ در دو دوره زمانی با مدیریت محمود افشار و سپس فرزاد افشار منتشر شد. سید مصطفی محقق داماد، رئیس شورای تولید بنیاد موقوفات محمود افشار یزدی، نیز درباره ایرج افشار گفت که اگر بخواهید او را بشناسید، به مقدمات علمی‌ای کنید: «این مقدمات نشان‌دهنده ذهن پژوهشگر و جهت‌گیری علمی اوست. برای نمونه مقدمه‌ای که ایشان بر «تاریخ و صفات» نوشته است، گواه حساسیت او به حفظ میراث و نگرش دقیق تاریخی است.» از دیدگاه او، همین عکس‌ها و همین یادداشت‌ها بودند که از تسبیح و فراموشی آثار ما جلوگیری کردند و آنها را برای آیندگان نگه داشتند.

در بخش دیگری از برنامه «معبد تفرشی»، تاریخ‌نگار و «چوادر بشری»، استاد دانشگاه نیز در انتهای این برنامه به ذکر خاطرات و اهمیت فعالیت‌های علمی افشار پرداخت. برنامه با پیام تصویری «تورج دریایی»، پژوهشگر و تاریخ‌نگار ایرانی، پایان یافت.

بگیرند. اگر نیروی فرهنگی عمیقی در پس زبان فارسی نباشد، چنین می‌شد؛ اما خوشبختانه این زبان نسبتاً محو نشد، بلکه آرام و بدون اغماض هیچ خاسته‌ای در سایه‌ی فرهنگ ریشه‌دار این سرزمین، خوسته‌ی قلمروهای گسترده‌ای را نیز درآورد. اجداد این زبان با سروده‌های پرمعنی‌اوستا بر زبان‌ها جاری شدند و بر سنگ‌نوشته‌ها نقش بستند. در پیروش اسکندر، در برابر زبان یونانی خود را نابخاشناکانه شکسته کرد و جوان‌تر شد. در کتاب‌های پهلوی، زبان فلسفه، تاریخ، اخلاق، حماسه و مناظره‌گشت و چون در برابر زبانی عربی قرار گرفت، باز هم خود را نابخاشناکانه از میدان به دریاخت.

او صحبت‌های خود را این‌گونه بیان داد: «اکنون به من بگویید چگونه به این سرزمین و زبان آن دل بندم؟ آیا باز هم می‌توان ایران را دوست نداشت؟»

[◀ پاسدار فرهنگ ایران زمین](#)

پیش از برنامه تعیین نشده بود «محدردشا شفیی دککنی»، شاعر و استاد نامدار ادبیات فارسی و از دوستان ایرج افشار، سخنرانی داشته باشد، اما با حضور در برنامه و پس از تشویق‌های پیاپی و درخواست از او برای سخنرانی، پشت تریبون آمد تا چند جمله درباره افشار بگوید: «از شمال آفریقا کشورهایی مثل تونس و مراکش و الجزایر تا افریقا خاک چین، در یک دنیایی هستند که جهان اسلام نامیده می‌شود. در این جهان اسلام سرزمین‌هایی هستند که به عربی و ترکی و فارسی و شاید هم به زبان‌های دیگر سخن می‌گویند. یقین دارم در کل این جهان، یک جهان دیگری وجود دارد و این جهان ایرانی است. مرزهای جغرافیایی کنونی این جهان ایرانی، یک حوزه شناخته‌شده‌ای است و تا حد زیادی هم الان جهان محدودی شده است. ولی برای کسی که از چشم‌انداز تاریخ فرهنگ بشری به این جهان نگاه می‌کند، در این دنیای بزرگ که از شمال آفریقا تا مرز چین ادامه دارد، دنیایی که مهم‌ترین فرهنگ را دارد و وجود خواهد داشت، همین فرهنگ ایرانی است.»

او در ادامه گفت همه‌مان موظف‌ایم با تمام نیرو و امکاناتی که داریم، به پاسداری از این فرهنگ بپردازیم. (بظن من، به خصوص در صد سال اخیر، پاسداری کسان کوشیده‌اند جهان ایرانی را معرفی کنند و از جهان ایرانی و فرهنگ آن پاسداری کنند. ولی در مجموع، اگر بخواهیم یک نفر را از کل این صد سال انتخاب کنیم که به‌تهدیات پاسداری از این فرهنگ را با تمام لحظات وجودی‌اش پذیرفته بود و عمل می‌کرد، آن «ایرج افشار» بود.)

◀ اگر از ایران برویم، گناه کرده‌ایم؟

سخنران دیگر این برنامه، هوشنگ دولت‌آبادی، نویسنده

تحقیقات ایرانی‌شناسی فهرست‌نگاری مجموعه کتاب‌های چاپی فارسی دانشگاه هاروارد آمریکا را به پایان رساند. نکته مهم در کارنامه پژوهشی افشار، گستردگی حجم نوشته‌های او است. به‌علاوه فعالیت‌های او در حوزه کتاب، کتابداری و کتاب‌شناسی نیز به‌گونه‌ای بود که او را در کتاب‌شناسی امروزی ایران می‌دانند. همه اینها گواهی از چندین فعالیت علمی و افشار است و گستره‌ی آن در این چند خط نمی‌گنجد.

◀ آیا می‌توان ایران را دوست نداشت؟

زآله آموزگار، پژوهشگر زبان‌های باستانی، سخنرانی خود را با این جمله آغاز کرد: «چه به‌جاست در سالروز صمدین سال تولد استاد افشار، یکی از عاشقان راستین و می‌پرایی این سرزمین، از ایران‌دوستی سخن گوئیم». او ادامه داد به‌دقت، من، عاطفه و علاقه و شوق و دوست‌داشتن واقعی، چون و چرا ندارد: «نمی‌توان به کسی گفت تو باید این شخص و این ساختار و این طرز تفکر و این کشور را دوست داشته باشی. می‌توان او را به اطاعت و اظهار علاقه دروغین واداشت، ولی محبت و عقیق را نمی‌توان با زور در کسی جای داد. محبت و عقیق واقعی خریدنی نیست، ازین‌رو، من هرگز نمی‌گویم «باید ایران را دوست داشت». من می‌گویم «این سرزمین را باید شناخت، بترتی‌هایش را برشمرد، با ریاضیه‌های نهفته و آشکارش آشنا شد و آنوقت شاید پرسید چگونه می‌توان این سرزمین را دوست نداشت؟» آموزگار، افشار را می‌نویس باز یک در میهن‌دوست و این‌سان‌ش این‌توقع و خدمتگزار راستین ایران خواند: «ایرج افشار دانشمندی بود گشاده‌دل، با دستی سایه‌دار، و جوان‌پرور، که مهر به این سرزمین در تاروپود او جا گرفته بود. او برای شناسایی کشور و زبان فارسی و فرهنگ ایران، نسخه‌های نایاب خطی، خدمات ارزنده‌ای داشته و ما را به راهی کشانده است که بدانیم چرا ایران را دوست داریم.»

او اضافه کرد ایرج افشار و دوستان و همراهانش با سفرهای دور و درازشان، زیبایی‌های ایران و روستاهای کوچک و دورافتاده آن را با خرده‌فرهنگ‌های غنی‌شان بررسی کردند و به ما یاد دادند که تنها با یاد شهرهای بزرگ نابیشم: «بادیاری می‌کرد ایران فقط در تهران، تبریز، اصفهان، شیراز و مشهد خلاصه نمی‌شود. این کلاشهرها بخشی از زیبایی‌های کشور ما را در خود دارند، اما نمایندده همه فرهنگ ما نیستند».

اهمیت زبان فارسی مورد دیگری بود که آموزگار در صحنه‌های خود به آن اشاره کرد: موضوعی که افشار سالیان سال برای پاسداشت آن به طرق مختلف کوشید: «زبان فارسی به هیچ قوم خاصی تعلق ندارد و زبان همه سرزمین ماست. این زبان محکم و استوار، از تهاجمات فراوان جان سالم به در برده است و اگر دشمنان بگذارند، همچنان پابرجا خواهد ماند. این

در صدسالگی یدر کتاب‌شناسی کشور مطرح شد: «ایران را چرا باید دوست داشت؟»

معشوق جاودان افشار

ایران، معشوق جاودانش بود. کیلومترها از خاک ایران را زیر پا گذاشت تا آن را هر چه بهتر بشناسد و بشناساند. سفر کرد، نوشت، جست‌وجو کرد؛ به امید اینکه توشه‌ای برای آیندگان باقی بماند و آنچه از خود به‌جای گذاشت میراثی ماندگار بود که در کتاب‌هایی که نوشت و تلاش‌هایی که کرد مشهود است.

عصرگار شانزدهم مهرماه، سالروز صدسالگی «ایرج افشار»، پژوهشگر فرهنگ و تاریخ و پدر کتاب‌شناسی ایران، در کانون زبان پارسی پاسخ داده شد تا این پرسش پاسخ داده شود «ایران را چرا باید دوست داشت؟». «پرسشی که «محمدریای فروغی» سیاستمدار تجدیدخواه ایران، نزدیک به صدسال پیش مطرح کرده بود و شاید اگر افشار در این نشست حضور داشت، پاسخ این پرسش را در جان فرهنگ و تاریخ این سرزمین می‌جست و به ما یادآوری می‌کرد که عشق به ایران، پیوندی ناگسستنی با گذشته، حال و آیندانش دارد.

پایانده سال از درگذشت «ایرج افشار» گذشته است، اما در این پایانه سال فراموش نشده و گذر سال‌ها از ارزش آن‌ها که او از برجای ماند، نکاسته. گواهی جمعی بود که برای سالروز او در باغ موقوفات محمود افشار جمع شدند و ایستاده و گزیده در برنامه «ایران را چرا چید دوست داشت؟» گرد هم آمدند تا از «پلانه آموگرز»، «محمدرضا شفیعی کدکنی»، «هوشنگ دولت‌آبادی»، «گداو بیات»، «مجید تفرشی» و «جواد بشری» و «سیدمصطفی محقق داماد» بشنوند جایگاه ایرج افشار برای ایران کجا بود و جایگاه ایران برای او کجا. افشار آثار ارزشمند بسیاری را در حوزه‌های مختلف تاریخی، جغرافیایی و ادبی تألیف و تصحیح کرد.



روزنامه نگار | صدف سرداری |